

۴ کافه
گرامیداشت رضا سیدحسینی۵ تماشا
تعلیق اجرای چند گروه موسیقینوازندگی بدون زنان؟
کوپه۷ زمین در برابر کالاه
واگذاری مدت‌دار خاک ایران به افغانستانزمین در برابر کالاه
واگذاری مدت‌دار خاک ایران به افغانستان۸ دیدگاه
اقتصاددان خیالی
نقدی بر ادعای حجت‌الملکیاقتصاددان خیالی
نقدی بر ادعای حجت‌الملکی

۳ افق

پایان مذاکرات بی‌نتیجه

وزیر امور خارجه عمان از پایان مذاکرات با ایران خبر داد و گفت: همه‌چیز به مذاکرات تهران و واشنگتن گره خورده است

یادداشت روز

از هلهله سکوها تا سکوت کافکایی

چرا قهرمانان‌مان را در «خط سیر سقوط» رها می‌کنیم؟

علی ربیعی

دستیار اجتماعی رئیس‌جمهور



تماشای مستند «پهلوانان می‌میرند» اثر خانم شراره عطاری برای من تنها مواجهه با یک اثر مستند یا یک گزارش ورزشی نبود؛ بلکه آن را یک «پژوهش میدانی در لایه‌های پنهان آسیب‌های اجتماعی» می‌دانم. این مستند پرده از واقعیتی تلخ برمی‌دارد؛ وضعیت قهرمانان پس از پایان دوران حرفه‌ای‌شان که می‌توان آن را به‌درستی یک «خط سیر سقوط» نامید. ما امروز گرفتار یک دوگانگی ساختاری، یعنی «پارادوکس ستایش و حمایت» هستیم. زیست‌جهان ورزش ما، قهرمان را در اوج توانایی بیولوژیک و زمانی که روی سکوها تولید هیجان و افتخار می‌کند تا عرش می‌ستاند؛ اما فرهنگ حمایت نهادینه‌شده‌ای در بطن ساختار خود تعریف نکرده است. در واقع، قهرمان به یک ایزه مصرفی و نمایشی تقلیل می‌یابد. پیامد محتمل این پارادوکس، ورود ورزشکار پس از افول قوای جسمانی به وضعیتی عمیقاً «کافکایی» -مشابه شرایط گرگور در داستان مسخ کافکا- است؛ شرایطی که فرد در آن احساس می‌کند، تاریخ‌مصرفش پایان یافته، هویت و عاملیت پیشین او بی‌اثر شده و توسط نظام اجتماعی پس زده می‌شود. تجربه «بیگانگی اجتماعی»، انزوای مطلق و احساس بی‌خاصیتی، ضربه اولیه‌ای است که سکوت سنگین پس از هلهله تماشاگران و افت ناگهانی آدرنالین بر پیکره روان او وارد می‌سازد. تحلیل‌های تقلیل‌گرایانه همواره ریشه این دست آسیب‌ها را صرفاً در تنگنای مالی خلاصه می‌کنند. بی‌تردید اقتصاد متغیری اثرگذار است اما علت بنیادین در یک «خلأ هویتی عمیق» و تعلیق نقش‌های اجتماعی ریشه دارد. ورزشکاری که تمام جهان‌بینی و سرمایه وجودی‌اش صرفاً در نقش «قهرمان پیروز» تعریف شده با ورود به دوران بازنشستگی، دچار تعلیق در هویت می‌شود و فاقد «مهارت‌های تطبیقی» برای ادغام مجدد در زیست عادی است. ورزشکاری که سال‌ها با سطح بالایی از آدرنالین، تشویق‌ها و توجه عمومی زیسته است پس از دوران قهرمانی ناگهان با سکوتی سنگین مواجه می‌شود؛ سکوتی که برای بسیاری از آنها حکم یک فروپاشی درونی را دارد. این گذار ناگهانی از مرکز توجه بودن به انزوا، او را در برابر آسیب‌های روانی بسیار شکننده‌تر از عموم مردم قرار می‌دهد؛ جایی که مواد مخدر نه به‌عنوان یک انتخاب بلکه در نقش یک مُسکن کاذب برای فرار از واقعیت فروموش‌شدگی و پر کردن این خلأ عاطفی-روانی برگزیده می‌شود. فقدان مهارت‌های اجتماعی، فرد را در مسیری قرار می‌دهد که از اعتیادهای تفریحی به سمت اعتیادهای عمیق و طرد اجتماعی سوق می‌یابد. این خط سیر سقوط زمانی شتاب می‌گیرد که ورزشکار به دلیل فقدان مهارت‌های تطبیقی، آموزشی برای بازگشت به زندگی عادی ندیده باشد. راهکار عملیاتی ما برای جلوگیری از این بحران، «مربیگری اجتماعی» (Social Coaching) است. قهرمانان نباید پس از پایان دوران حرفه‌ای رها شوند؛ مربیگری اجتماعی فرآیندی است که مهارت‌های تطبیق با جامعه را به آنان می‌آموزد تا به‌جای گرفتار شدن در انزوا و چرخه آسیب‌ها به‌عنوان سرمایه‌های اجتماعی و مربیان و کوچ‌های دانی در جامعه حفظ شوند و به زندگی فعال بازگردند. در این مستند، سرنوشت قهرمان داستان (کشتی‌گیر محسن قاسمی) که به اعتیاد کشیده شده به کمپ‌های غیرمجاز منتهی می‌شود که در نهایت بر اثر آسیب‌های وارده و ضرب‌وشتم می‌میرد. در این مسیر باید تفکیکی بسیار دقیق میان مراکز بازپروری قائل شد. ما با دو بستر کاملاً متفاوت روبرویم: از یک‌سو مراکز غیرقانونی، فاقد تابلو و بی‌نام‌ونشان که نه‌تنها کمکی به بازپروری نمی‌کنند بلکه به بستری برای خشونت، آسیب‌دیدگی و بازتولید آسیب بدل شده‌اند و برخورد با آنها نیازمند نظارت سخت‌گیرانه است؛ و از سوی دیگر، کمپ‌های «ماده ۱۶» که با نظارت دستگاه‌های دولتی مانند شهرداری، سازمان بهزیستی و نیروی انتظامی اداره می‌شوند و برنامه‌های مشخصی برای بازتوانی، اشتغال و بازگشت فرد به جامعه دارند. گرفتار شدن ورزشکاران در گرداب کمپ‌های غیرقانونی عملاً مسیر بازگشت آنان را مسدود کرده و در چرخه معیوب بیگانگی محصورشان می‌کند. برای جلوگیری از سقوط قهرمانان نیازمند بازنگری بنیادین در نگاه جامعه به سرمایه‌های انسانی هستیم. این گذار از ستایش نمایشی و مقطعی به حمایت پایدار، تنها با تقویت نظام‌های مشاوره، نظارت بر مراکز غیررسمی و مداخلات زود هنگام ممکن خواهد بود. پهلوانان زمانی زنده می‌مانند که ساختار اجتماعی، پیش از رسیدن به نقطه فروپاشی، در کنارشان باشد.

مرزبندی خاتمی با لیبرالیسم

سیدمحمد خاتمی در تازه‌ترین سخنان خود، با انتقاد از انحصار لیبرالیسم در الگوی توسعه، تجربه چین را نمونه‌ای از پیگیری منافع ملی در دل نظم جهانی دانست. سخنان خاتمی این پرسش را مطرح کرده است که آیا گفتمان اصلاحات نیاز به بازنگری در الگوی توسعه دارد؟ سازندگی به این موضوع پرداخته است

عاطفه شمس

گروه سیاسی



سیدمحمد خاتمی، رئیس‌جمهور پیشین ایران که دولتش با ترکیبی از آزادی‌خواهی سیاسی، اصلاحات اقتصادی و تأکید بر توسعه شناخته می‌شد، در تازه‌ترین سخنرانی خود مرزهای روشنی با لیبرالیسم به‌عنوان الگوی مسلط نظم جهانی ترسیم کرد و تجربه چین را به‌عنوان نمونه‌ای از پیگیری توسعه و منافع ملی در دل همین نظم پیش کشید. او در نشست تخصصی بنیاد باران ضمن دفاع از اصولی چون عدالت، مشارکت و تعاون، تأکید کرد که تعامل با جهان لزوماً به‌معنای پذیرش نظم لیبرال به‌عنوان راه نجات بشریت نیست. از این منظر می‌توان سخنان تازه خاتمی را تلاشی برای مرزبندی با لیبرالیسم اقتصادی به‌مثابه تنها الگوی توسعه دانست؛ مرزبندی‌ای که بر امکان پیگیری الگوهای دیگری از توسعه بدون قطع ارتباط با اقتصاد جهانی، تأکید دارد. با این حال، این موضع پرسشی مهم را پیش می‌کشد که آیا خاتمی درحال بازنگری در مبانی اقتصادی گفتمان اصلاحات است یا می‌کوشد میان آزادی‌خواهی سیاسی، عدالت اجتماعی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی نسبتی تازه برقرار کند؟

ادامه در صفحه ۲



پارلمان

از معیشت نظامیان تا ارتقای توان موشکی

تشریح برنامه‌های وزیر پیشنهادی دفاع در مجلس

گروه سیاسی: مهرداد اخلاقی، وزیر پیشنهادی دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، روز گذشته در دومین نشست ویژه مجلس، برنامه‌های خود را برای دو‌بازه زمانی ۶ ماهه و ۲۲ ماهه تشریح کرد؛ برنامه‌هایی که از افزایش حقوق نظامیان تا توسعه توان موشکی و تقویت پدافند هوایی را در بر می‌گیرد. در کنار این‌س اولویت‌ها، اخلاقی از برنامه وزارت دفاع برای راهبری ساخت دست‌کم ۲۰۰ هزار واحد مسکونی و ۷۰ هزار واحد سازمانی نیز خبر داد.

اخلاقی در تشریح برنامه‌های ۶ ماه نخست، افزایش تولید و تأمین تسلیحات و تجهیزات مورد نیاز نیروهای مسلح را با توجه به تجربه جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان از اولویت‌های اصلی دانست. استفاده از ظرفیت صنایع دفاعی، هماهنگی میان بخش‌های تولیدی نیروهای مسلح و اجرای طرح‌های تحقیقاتی با دستاوردهای سریع از راهکارهای او برای تحقق این هدف است. بهره‌گیری از توان دانشگاه‌ها، مراکز علمی و شرکت‌های دانش‌بنیان از پشتیبانی از محور مقاومت نیز در برنامه‌های او قرار دارد.

اخلاقی بخش دیگری از برنامه‌های خود را به بهبود معیشت کارکنان و بازنشستگان نیروهای مسلح اختصاص داد و تحقق آن را نیازمند همکاری دولت، سازمان برنامه و بودجه، ستاد کل نیروهای مسلح و مجلس دانست. افزایش جشعی حقوق کارکنان، ادامه متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان متناسب با بودجه سالانه و تقویت قدرت خرید خانواده‌های نظامیان ازجمله وعده‌های او بود. وزیر پیشنهادی دفاع همچنین از افزایش سرانه یارانه خانوارهای نیروهای مسلح در قالب طرح «حکمت مصرف» تا حداقل معادل ۸ درصد میانگین حقوق سالانه کارکنان خبر داد و توسعه دسترسی به فروشگاه‌های اتکا و نظارت بر قیمت و کیفیت کالا‌های عرضه شده در این فروشگاه‌ها را از دیگر برنامه‌های خود عنوان کرد. در حوزه خدمات حمایتی، گسترش پوشش بیمه‌ای و خدمات درمانی برای مادران باردار، کودکان زیر دو سال و زوج‌های ناباور و تقویت حمایت از ایثارگران، رزمندگان و بیماران صعب‌العلاج پیش‌بینی شده است. اخلاقی همچنین اعلام کرد وزارت دفاع، با وجود آنکه مستقیماً مسئول ساخت مسکن نیست، راهبری ساخت ۲۰۰ هزار واحد مسکونی و ۷۰ هزار واحد سازمانی را برعهده می‌گیرد. تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام و تأمین زمین از طریق دولت و اراضی مازاد نیروهای مسلح از راهکارهای پیش‌بینی شده برای تحقق این هدف است.

وزیر پیشنهادی دفاع همچنین برای دوره ۲۲ ماهه تا پایان دولت چهاردهم، مجموعه‌ای از برنامه‌های تسلیحاتی و فناوریانه را مطرح کرد. توسعه موشک‌های بالستیک و کروز، افزایش ظرفیت تولید موشک متناسب با تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و ارتقای اثربخشی سرچنگی‌ها از جمله این‌س برنامه‌هاست. او همچنین بر توسعه سامانه‌های پدافند هوایی با تأکید بر پدافند نامتقارن، افزایش تولید تجهیزات پدافندی و گسترش استفاده از پهپادهای پنهانکار، انتحاری و شناسایی تأکید کرد. در بخش هوایی، دستیابی به فناوری ساخت جنگنده‌های سنگین چندمنظوره و توسعه تسلیحات هوایابه دورایستا دنبال خواهد شد. توسعه شناورهای سطحی و زیرسطحی، سامانه‌های سلاح دریایی، خودروهای تاکتیکی نظامی و تجهیزات ضذره نیز در برنامه‌های حوزه دریا و زمین قرار دارد.

اخلاقی در ادامه برنامه‌های خود، توسعه زیرساخت‌های سایبری و هوش مصنوعی، ارتقای شبکه‌های فرماندهی و کنترل، تقویت رادارهای پسیو و بهره‌گیری گسترده‌تر از تصاویر ماهواره‌ای را مطرح کرد. بازسازی زیرساخت‌های صنعتی دفاعی با توجه به تجربه جنگ‌های اخیر، تأمین پایدار انرژی و تقویت پدافند غیرعامل نیز از دیگر محورهای برنامه‌های اوست. وزیر پیشنهادی دفاع در پایان بر توسعه همکاری‌های دفاعی با کشورهای هدف و افزایش صادرات تجهیزات نظامی تأکید کرد. او همچنین وعده داد با تخلفات اقتصادی احتمالی در مجموعه‌های وابسته به وزارتخانه بدون اغماض برخورد شود و شفافیت، انضباط مالی و جلوگیری از تعارض با بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی مورد توجه قرار گیرد.

ادامه تیتیر یک

مرزبندی خاتمی با لیبرالیسم



خاتمی در این سخنرانی بیش از آنکه از مبانی سیاسی گفتمان اصلاحات عقب‌نشینی کند، درحال بازتعریف نسبت توسعه، عدالت اجتماعی و تعامل با جهان است؛ هرچند این بازتعریف، فاصله‌گذاری آشکاری با لیبرالیسم اقتصادی به‌عنوان الگوی یگانه توسعه دارد. سه نکته در سخنان او اهمیت دارد: نخست خاتمی میان پذیرش نظم جهانی و تأیید آن تمایز می‌گذارد. او می‌گوید، می‌توان نظم موجود را به‌عنوان یک واقعیت پذیرفت و برای تأمین منافع ملی در چارچوب آن فعالیت کرد بی‌آنکه آن را عادلانه یا مطلوب دانست. دوم، او با مثال چین می‌کوشد، نشان دهد که توسعه اقتصادی الزاماً به پذیرش تمام مؤلفه‌های لیبرالیسم وابسته نیست. در روایت خاتمی چین توانسته است، درون اقتصاد جهانی فعالیت کند، در پی افزایش قدرت اقتصادی خود باشد و در عین حال اولویت‌های ملی‌اش را حفظ کند. تأکید او بر مشارکت و تعاون و اشاره به محدود کردن بخش خصوصی نیز نشان می‌دهد که از نظر او بازار آزاد نمی‌تواند تنها معیار تصمیم‌گیری درباره الگوی توسعه باشد. سوم، خاتمی در همین سخنرانی همچنان بر ضرورت توسعه، مبارزه با فقر، احترام به ارزش‌ها و حفظ آرمان‌ها تأکید دارد.

نگاه او عمدتاً بر نظم جهانی و الگوی توسعه است و نه تعریف آزادی‌های سیاسی و حقوق شهروندی. با این حال ببینیم، خاتمی در این نشست چه گفته است.

عبور از نسخه لیبرال توسعه

سخنان خاتمی پس از ارائه بحث مفصل آخوندی درباره تحولات اقتصاد و سیاست جهانی مطرح شد؛ بحثی که در آن وزیر اسبق راه و شهرسازی کوشید نسبت میان امنیت، توسعه و جایگاه ایران در نظم بین‌المللی را بازتعریف کند. با این حال خاتمی در واکنش به بخشی از این تحلیل‌ها بر ضرورت تفکیک میان شناخت واقعیت‌های جهان و پذیرش آن به‌عنوان الگویی مطلوب تأکید کرد. این تأکید به یکی از محورهای اصلی سخنان آخوندی بازمی‌گشت؛ جایی که او با اشاره به تحولات اقتصاد جهانی از کاهش هژمونی آمریکا سخن گفت اما در عین حال هشدار داد که بحران‌های کنونی را نباید به‌معنای افول نظم لیبرال دانست.

خاتمی در توضیح این تمایز گفت: «ممکن است از سخنرانی آخوندی اینطور برداشت شود که لیبرالیسم مطلوب است. تفاوت وجود دارد بین اینکه ما نظم لیبرال را به‌عنوان یک واقعیت ببینیم و آن را به‌صورت دوقفانو (غیررسمی) بپذیریم و اینکه نظم لیبرال را به‌عنوان راه نجات بشریت ببینیم. بسیاری در جهان، لیبرالیسم را قبول دارند اما در عین حال مشی سوسیالیستی را دنبال می‌کنند. نظم موجود جهانی، نظم ظالمانه‌ای است اما باید آن را به‌عنوان یک واقعیت ببینیم و برای تأمین منافع خودمان در درون این نظم فعالیت کنیم؛ مانند همان کاری که چین می‌کند و به قدرت دوم جهان تبدیل شده و هدف رسیدن به جایگاه قدرت نخست جهان را دنبال می‌کند».

از تجربه اقتصادی چین تا آرمان‌های انقلاب

رئیس‌جمهور پیشین ایران برای توضیح این‌س موضوع به تجربه همکاری با چین در دوره ریاست‌جمهوری خود اشاره کرد و گفت: «ما تأسیساتی را در اصفهان داریم که عمده کار آن، تبدیل اورانیوم به سوخت کارخانه‌های انرژی اتمی است و کاملاً در راستای صلح‌آمیز فعالیت می‌کند. اولین طراح این تأسیسات، چینی‌ها بودند که حدود ۵۰۰ میلیون دلار هم روی آن سرمایه‌گذاری کرده بودند. این پروژه تقریباً متوقف شده بود. من در زمان ریاست‌جمهوری خود، سه ملاقات با جیانگ زمین، رئیس‌جمهور وقت چین داشتم و در هر سه مورد پیشنهاد دادم که برای فعالیت این‌س کارخانه کمک کنند. آقای زمین اما به من می‌گفت که «دست از این پروژه بردارید؛ ما نیز از این سرمایه‌گذاری خود گذشتیم زیرا تنها هدف تبدیل شدن چین به یک قدرت اقتصادی را دنبال می‌کنیم و از امری که مانع از تحقق این هدف شود، اجتناب می‌کنیم» البته این کار چین یک مزیت هم برای ما داشت و آن اینکه باعث شد ما روی پای

خودمان بایستیم و با توان خودمان، آن تأسیسات که در حملات اخیر بمباران شد را به بهره‌برداری برسانیم».

با این حال خاتمی در کنار تأکید بر ضرورت شناخت واقعیت‌های جهان، یادآور شد که پیگیری توسعه نباید به کنار گذاشتن آرمان‌ها و ارزش‌ها منجر شود. او در همین زمینه خطاب به آخوندی تأکید کرد که عبارت «سلطنت شیعی» را در سخنان خود اصلاح کند و گفت: «اگرچه انقلاب اسلامی هدف آبادانی ایران را دنبال می‌کرد اما در عین حال باید آرمان‌هایی هم داشته باشیم، براساس این آرمان‌ها، ما نظم فعلی جهان را ظالمانه می‌دانیم و هرگونه تجاوز را رد می‌کنیم».

آخوندی در بخشی از سخنان خود با تقسیم سیر جمهوری اسلامی به سه دوره از مفهومی با عنوان «سلطنت شیعی در ممالک محروسه» برای توصیف رویکرد دوره نخست انقلاب استفاده کرد؛ دوره‌ای که به گفته او، اسام خمینی بر محدود ماندن حکومت به مرزهای ایران تأکید داشت و با اعزام نیروهای نظامی به لبنان و عراق مخالفت می‌کرد. به روایت آخوندی، در دوره دوم، این رویکرد تغییر کرد و تأمین امنیت ایران به بیرون از مرزها گسترش یافت؛ تغییری که اکنون در دوره سوم، ضرورت بازاندیشی در ایده توسعه ایران را مطرح می‌کند.

اشغال و سرکوب، منشأ مشروعیت نیست

خاتمی برای توضیح نسبت میان آرمان‌خواهی، اخلاق و مواجهه با نظم جهانی به خاطره‌ای از سفر خود به آمریکا در سال ۱۳۸۵ اشاره کرد: «من پس از پایان دوران ریاست‌جمهوری‌ام به دعوت آقای کوفی عنان به آمریکا رفتم و در دانشگاه هاروارد سخنرانی کردم و بسیاری از یهودیان طرفدار اسرائیل نیز در آن سخنرانی حضور داشتند. یکی از این افراد، خطاب به من گفت که «شما هدف نابودی اسرائیل را دارید و به تروریست‌ها کمک می‌کنید». خاتمی ادامه داد: «من در پاسخ به او گفتم من که اکنون کاره‌ای نیستم اما در وهله اول باید تروریست را تعریف کرد، نه اینکه هر جریان مخالف خودمان را تروریسم بدانیم. امروز دو جریان در مقابل هم قرار دارند که یکدیگر را متهم به تروریسم می‌کنند؛ یکی القاعده و دیگری دولت بوش. هر دو اینها با یک منطق کار می‌کنند؛ هر که با ما نیست علیه ماست و هر که علیه ماست، شایسته هر برخوردی است. شما ما را به تروریسم متهم می‌کنید و من هم متقابلاً می‌توانم بگویم دولت اسرائیل، تروریست است. من بخش زیادی از آنچه شما تروریسم می‌نامید را مقاومت مشروع در برابر تجاوز و اشغال می‌دانم».

او سپس با پیوند دادن این بحث به مسئله مشروعیت سیاسی و اخلاقی، ادامه داد: «من در ادامه پاسخ گفتم، از نظر اخلاقی بشر بسیار هزینه داده تا توانسته این را به یک اصل تبدیل کند که اشغال و سرکوب، منشأ مشروعیت نیست. این همان حرفی است که فارابی نیز می‌گفت. به همین دلیل است

که اکنون فیلم‌هایی که در مورد مقاومت فرانسه در مقابل آلمان ساخته می‌شود مورد ستایش قرار می‌گیرد. اگر اشغال، مشروعیت می‌آورد اکنون فرانسه باید بخشی از آلمان می‌بود».

رئیس دولت‌های هفتم و هشتم در ادامه درباره موضع خود در قبال مسئله فلسطین توضیح داد: «من در ادامه از آن یهودی سوال پرسیدم که آیا اسرائیل به شکلی مسالمت‌آمیز ایجاد شده یا با اشغال. ما اشغال فلسطین را رد می‌کنیم اما در امور آنجا دخالت هم نمی‌کنیم و آزادسازی سرزمین قدس را حق خود فلسطینی‌ها می‌دانیم. ما به لحاظ اخلاقی از ملت فلسطین حمایت می‌کنیم اما خودمان را به‌جای آنها در مقابل یک قدرت قرار نمی‌دهیم».

بازخوانی نسبت توسعه، عدالت و منافع ملی

با وجود تأکید مشترک دو سخنران بر ضرورت توسعه و بهبود وضعیت معیشتی مردم، خاتمی در بخش پایانی سخنان خود بار دیگر به همان نقطه اختلاف بازگشت و در پاسخ به آخوندی گفت: «یک سوءتفاهمی که ممکن است در صحبت‌های شما ایجاد شود این است که نظم لیبرال را مطلوب می‌دانید. ما باید ارزش‌ها را مورد احترام قرار دهیم. حتماً باید به توسعه توجه ویژه داشته باشیم و با فقر مبارزه کنیم اما اکنون خیلی‌ها هستند که با نظم موجود در جهان مخالفند. انتقاد به نظم لیبرال، مسئله‌ای است که از حدود ۱۹۳۰ مطرح شد. ما می‌توانیم به نظم جهانی انتقاد داشته باشیم. اینطور نیست که بگوئیم راه نجات ما، پذیرش نظم لیبرال است. امروز حتی بسیاری از اقتصاددانان بر درست بودن یک‌سری از اصول سوسیالیسم ازجمله «مشارکت» و «تعاون» تأکید می‌کنند. با این وجود باید طبق موازین موجود، برای تأمین مصالح خودمان، با نهادهای جهانی کار کنیم».

آخوندی در بخشی از سخنان خود از تغییر مفهوم امنیت در جهان امروز گفته و تأکید کرده بود که امنیت دیگر صرفاً در چارچوب توان نظامی و موازنه تهدید تعریف نمی‌شود بلکه عواملی مانند زنجیره‌های ارزش جهانی، فناوری، انرژی، بازار، لجستیک و نظام‌های پرداخت نیز در آن نقش دارند. وزیر اسبق راه و شهرسازی در این باره گفت: «در زمان جنگ سرد، امنیت به‌معنای تعادل تهدید بود اما اکنون مدیریت ریسک زنجیره ارزش، تعریف جدید امنیت است». او با اشاره به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، فاصله میان ظرفیت‌های جغرافیایی کشور و دستاوردهای اقتصادی آن را یادآور شد و پرسید چرا این موقعیت به تقویت جایگاه اقتصادی ایران منجر نشده است. آخوندی با مقایسه تولید ناخالص داخلی ایران و ثروت انباشته کشورهای حاشیه خلیج فارس، تأکید کرد که تصور هژمونی منطقه‌ای با واقعیت اقتصادی کشور سازگار نیست و ایران باید به سمت همکاری و شکل دادن به نظامی شبکه‌ای با دیگر کشورها حرکت کند.

او همچنین باآزایی ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را ضروری دانست و ۶ لایه امنیت ملی را برشمرد: امنیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، دفاعی، منابع حیاتی و هوش مصنوعی. از این منظر مهار تورم، تضمین مالکیت خصوصی، تأمین آب و انرژی، امنیت غذایی و تقویت توان دفاعی همگی بخشی از الزامات امنیت ملی اند. آخوندی در جمع‌بندی گفت: «ما اگرچه توانسته‌ایم بقای خود را حفظ کنیم اما مردم ما فقیر شده‌اند».

نشست بنیاد باران با گرامیداشت زادروز خاتمی به پایان رسید اما بحث درباره نسبت توسعه، عدالت اجتماعی و نظم جهانی همچنان باز ماند. سخنان خاتمی نشان داد که او دست‌کم در تعریف الگوی توسعه، پذیرش قواعد موجود جهان را با مطلوب دانستن نظم لیبرال یکی نمی‌داند و تجربه چین را نمونه‌ای از امکان پیگیری منافع ملی در دل همین نظم معرفی می‌کند. با این حال اینکه این‌س مرزبندی به بازنگری گسترده‌تر در مبانی اقتصادی گفتمان اصلاحات منجر خواهد شد یا صرفاً تلاشی برای ایجاد توازن میان توسعه‌خواهی، عدالت اجتماعی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی است، پرسشی است که پاسخ آن به مواضع و برنامه‌های روشن‌تر این جریان در آینده بستگی دارد.



سال نهم شماره ۲۳۵۳
پنج‌شنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۵

بررسی تحولات جهان

افق

ضربه کاری حوثی‌ها

ساختمان آرامکو آسیب دید و کارکنان دورکار شدند



با مخاطرات بیشتری روبه‌رو خواهد شد. از سوی دیگر، ریاض نمی‌تواند به‌سادگی از پاسخ نظامی صرف‌نظر کند؛ زیرا این اقدام ممکن است به‌عنوان ناتوانی در حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی تعبیر شود. با این حال تشدید حملات هوایی به یمن نیز می‌تواند چرخه انتقام را طولانی‌تر کند. در نتیجه، مسئله عربستان تنها شکست دادن انصارالله نیست بلکه یافتن راهی برای جلوگیری از تبدیل جنگ به بحرانی فرسایشی است که منابع مالی و ظرفیت سیاسی کشور را تحت فشار قرار دهد.

حمله به آرامکو را باید هشدار دیگری درباره پیوند امنیت منطقه‌ای و ثبات اقتصادی دانست. اگر حملات ادامه یابد عربستان با افزایش هزینه‌های دفاعی، آسیب به اعتماد سرمایه‌گذاران و دشواری شدن اجرای برنامه‌های توسعه مواجه خواهد شد؛ درحالی که مردم یمن نیز بهای انسانی و اقتصادی سنگین‌تری می‌پردازند. بدون توافقی که به حملات متقابل پایان دهد نه امنیت زیرساخت‌های نفتی تضمین می‌شود و نه چشم‌انداز بازسازی و ثبات در یمن روشن خواهد شد.

خاورمیانه

دیدار سران عراق و عربستان

الزیدی به بن‌سلمان وعده داد

خبرگزاری رسمی عراق (واع) گزارش داد که علی فالح الزیدی، نخست‌وزیر این کشور روز چهارشنبه در ریاض با محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان سعودی دیدار و درباره تحولات منطقه‌ای و هماهنگی تلاش‌ها برای تقویت امنیت و ثبات منطقه گفت‌وگو کرد.

دفتر رسانه‌ای نخست‌وزیر عراق در بیانیه‌ای اعلام کرد که الزیدی در این دیدار، حمله به فرودگاه بین‌المللی ملک خالد در ریاض را محکوم کرد و هرگونه آسیب رساندن به غیرنظامیان و تأسیسات غیرنظامی در جریان درگیری‌ها را تهدیدی برای امنیت و ثبات منطقه دانست. نخست‌وزیر عراق همچنین بر موضع ثابت کشورش مبنی بر اجازه ندادن به استفاده از خاک عراق به‌عنوان مبدأ هرگونه حمله یا اقدامی که امنیت عربستان سعودی و کشورهای منطقه را تهدید کند، تأکید کرد. وی با اشاره به اهمیت رعایت اصول حسن همجواری، احترام به حاکمیت عراق و کشورهای برادر و دوست را ضروری دانست. براساس این بیانیه، دو طرف در ادامه دیدار، روابط عراق و عربستان سعودی و راه‌های گسترش همکاری‌ها در زمینه‌های مختلف را بررسی کردند. تقویت هماهنگی‌های امنیتی میان دو کشور برای مقابله با چالش‌های امنیتی منطقه‌ای نیز از محورهای این گفت‌وگو بود. محمد بن‌سلمان نیز در این دیدار بر حمایت عربستان سعودی از تلاش‌های دولت عراق برای تقویت گفت‌وگو با هدف تحقق ثبات در منطقه تأکید کرد. نخست‌وزیر عراق علاوه بر عربستان به کویت نیز سفر می‌کند. اگرچه همکاری‌های اقتصادی و امنیتی در صدر دستورکار قرار دارد اما جنگ میان عربستان و یمن به آزمونی احتمالی برای نقش‌آفرینی عراق تبدیل شده است؛ هرچند تردیدهایی در محافل سیاسی درباره توانایی دولت عراق برای تأثیرگذاری بر روند این بحران وجود دارد. این سفر پس از تعویق سفر پیشین الزیدی به ریاض در ژوئیه گذشته انجام می‌شود؛ تأخیری که ناشی از حملات مشترک آمریکا و عربستان به مواضع الحشد الشعبی در عراق بود. از این‌رو از سرگیری تعاملات در سطح دولتی با عربستان فراتر از صرف احیای روابط دو جانبه است و مسئله حاکمیت عراق و نحوه واکنش به حملات علیه خاک این کشور را در کانون گفت‌وگوهای سیاسی پیرامون این سفر قرار می‌دهد.



راهبرد اقتصادی عربستان بر کاهش وابستگی به نفت، جذب سرمایه خارجی، توسعه گردشگری و تبدیل این کشور به مقصدی برای کسب‌وکارهای بین‌المللی استوار است. تحقق این اهداف به محیطی قابل پیش‌بینی و امن نیاز دارد. تکرار حملات به ریاض، فرودگاه‌ها و مراکز نفتی می‌تواند این تصویر را تضعیف کند؛ به‌ویژه اگر شرکت‌های خارجی برای حفاظت از کارکنان خود به دورکاری، انتقال فعالیت‌ها یا بازنگری در برنامه‌های سرمایه‌گذاری روی آورند. پیامد اقتصادی جنگ تنها به احتمال کاهش تولید نفت محدود نیست. افزایش هزینه‌های امنیتی، اختلال در حمل‌ونقل هوایی، بالا رفتن حق بیمه محموله‌ها و دشواری شدن فعالیت شرکت‌های خارجی، هزینه‌هایی هستند که حتی بدون آسیب جدی به تأسیسات تولیدی بر اقتصاد تحمیل می‌شوند. اگر تهدیدها به مسیرهای دریایی دریای سرخ و تنگه باب‌المندب نیز گسترش یابد، تجارت منطقه‌ای و انتقال کالا از یکی از گذرگاه‌های مهم جهان

بحرانی از جنس اقتصاد

هشدار داد که باید برای بدترین سناریوهای ممکن آماده باشند و همه، از نهادهای دولتی گرفته تا شهروندان، مسئولیت‌های خود را برعهده بگیرند.

اهمیت این هشدار در جایگاه قطر در تحولات جاری منطقه نهفته است. دوحه که همواره از میانجی‌گری و مصالحه میان ایران و آمریکا حمایت کرده به همراه پاکستان در تلاش‌های دیپلماتیک مرتبط با تفاهم‌نامه اسلام‌آباد نقش داشته است. از این‌رو هشدار امیر قطر را می‌توان، نشانه‌ای از نگرانی فزاینده در منطقه درباره پیامدهای ادامه بحران دانست؛ هرچند این اظهارات به‌تدریج به‌معنای قطعی بودن گسترش جنگ نیست.

تهدیدات تازه ترامپ

در واشنگتن نیز هزمنان با افزایش فشارها در خلیج فارس، لحن دونالد ترامپ بار دیگر تندتر شده است. رئیس‌جمهور آمریکا شامگاه سه‌شنبه در سخنرانی خود در کارزار انتخاباتی جمهوری‌خواهان در آلاسکا گفت: «صبر کنید ببینید با ایران چه می‌کنیم. حسابی به آنها آسیب خواهیم زد». او با تأکید بر اینکه صبر واشنگتن رو به پایان است بار دیگر احتمال اقدام علیه تهران را در کانون توجه قرار داد.

این اظهارات درحالی بیان می‌شود که گزارش‌هایی درباره رایزنی‌های ترامپ با بن‌یامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، منتشر شده است. وب‌سایت اکسیوس به نقل از دو مقام آمریکایی، یک مقام اسرائیلی و یک منبع آگاه گزارش داد که ترامپ در دو هفته گذشته چند بار با نتانیاهو درباره احتمال حمله به ایران پیش از برگزاری انتخابات اسرائیل و آمریکا، گفت‌وگو کرده است. با این حال، مواضع پیشین رئیس‌جمهور آمریکا تصویر یک‌دستی از زمان‌بندی احتمالی اقدام نظامی ارائه نمی‌دهد. ترامپ روز پنج‌شنبه گفته بود که پیش از انتخابات نوامبر به ایران حمله نخواهد کرد. در مقابل، نشریه آتلانتیک پیش‌تر به نقل از دو مقام آمریکایی گزارش داده بود که کاخ سفید از پنتاگون خواسته است، گزینه‌های حمله به ایران را پیش از

انتخابات بررسی و تدوین کند. انتخابات اسرائیل قرار است ۲۷ اکتبر برگزار شود و انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا نیز یک هفته بعد از آن در پیش است. از سرگیری عملیات نظامی گسترده علیه ایران می‌تواند، موضوعی حساس را به رقابت‌های انتخاباتی در کشور وارد کند. در آمریکا، تحولات جنگ و قیمت انرژی از عوامل مؤثر بر فضای سیاسی و اقتصادی پیش از انتخابات به‌شمار می‌روند. در اسرائیل نیز پیامدهای جنگ و وضعیت سیاسی نتانیاهو و حزب لیکود می‌تواند بر محاسبات داخلی تأثیر بگذارد. با این همه از اطلاعات موجود نمی‌توان نتیجه گرفت که تصمیم نهایی واشنگتن یا تل‌آویو صرفاً تابع ملاحظات انتخاباتی خواهد بود. اظهارات علنی مقام‌ها و گزارش‌های مربوط به بررسی گزینه‌های نظامی نیز به‌تدریج برای اثبات زمان قطعی حمله کافی نیستند.

و با هدف بالا بردن قیمت نفت پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا به تأسیسات نفتی «آرامکو» در عربستان سعودی حمله کردند. رئیس‌جمهور آمریکا می‌گوید که ممکن است از ترکیه بخواهد در جنگ یمن دخالت کند.

اما در شرایطی که حملات موشکی و پهپادی، فرودگاه‌ها و زیرساخت‌های اقتصادی عربستان را تهدید می‌کنند، ریاض با مسئله‌ای فراتر از مقابله نظامی با انصارالله روبه‌روست: چگونه می‌توان امنیت سرمایه‌گذاری، ثبات بازار انرژی و اعتبار سیاسی کشوری را حفظ کرد که می‌خواهد به قطب اقتصادی منطقه تبدیل شود؟

اهمیت حمله به آرامکو در این است که این شرکت صرفاً یک بنگاه نفتی نیست بلکه یکی از ستون‌های اصلی اقتصاد عربستان و برنامه‌های توسعه‌ای محمد بن‌سلمان به‌شمار می‌رود. هرگونه تهدید علیه مراکز عملیاتی، تأسیسات تولیدی یا مسیرهای صادراتی آن می‌تواند هزینه‌های بیمه، حفاظت و حمل‌ونقل را افزایش دهد و بر ارزیابی سرمایه‌گذاران از ریسک فعالیت در این کشور اثر بگذارد. با این حال آسیب دیدن ساختمان اداری آرامکو به‌خود خود به‌معنای توقف تولید یا صادرات نفت نیست و تاکنون نباید میان خسارت ساختمانی و اختلال در عرضه انرژی یکسان‌انگاری کرد.

پایان مذاکرات بی‌نتیجه

همه چیز به مذاکرات تهران-واشنگتن گره خورده



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

وزیر امور خارجه عمان با اعلام پایان مذاکرات تهران و مسقط درباره تنگه هرمز تأکید کرد که اجرای تفاهم‌ها و از سرگیری حمل‌ونقل در این آب‌راه راهبردی به نتیجه مذاکرات گسترده‌تر ایران و آمریکا بستگی دارد؛ بدر البوسعیدی همچنین با مخالفت با تشدید تنش‌ها بر ادامه مسیر دیپلماسی برای دستیابی به صلح پایدار تأکید کرد. بدر البوسعیدی روز چهارشنبه طی اظهاراتی با همتای پاکستانی خود در اسلام‌آباد، درباره گفت‌وگوهای تهران و مسقط پیرامون تنگه هرمز گفت: «مذاکرات عمان و ایران درباره تنگه هرمز به پایان رسیده و نهایی شدن آن به مذاکرات ایران و آمریکا بستگی دارد».

وی اظهار کرد: «تنگه هرمز به‌عنوان بخشی از تفاهم‌نامه اسلام‌آباد بین تهران و مسقط مورد بررسی قرار گرفت و به عقیده عمان، مذاکرات ما با ایران در این خصوص تکمیل شده و نیازی به گفت‌وگوهای بیشتری نیست». وزیر امور خارجه عمان تأکید کرد که عملیاتی شدن این گفت‌وگوها و از سرگیری حمل‌ونقل بستگی به توافق ایران و آمریکا در مقیاس بزرگ‌تر دارد.

وی با تأکید بر موضع کشورش در حمایت از دیپلماسی و ادامه تلاش‌ها با دیگر بازیگران منطقه برای دستیابی به صلح پایدار گفت که مسقط حامی دیپلماسی و تعامل است و با تشدید تنش‌ها و رویارویی مخالفت می‌کند. وی گفت که هر دو کشور (عمان و پاکستان) تماس‌های مستقیمی پیرامون تحولات منطقه‌ای دارند و مسقط از تلاش‌های اسلام‌آباد برای وساطت بین ایران و آمریکا و کمک به پیشبرد مذاکرات متجدد می‌کند. وی تأکید کرد: «ارویارویی گزینه نیست و ما به‌شدت مخالف آن هستیم لذا مسقط به دیپلماسی اعتقاد دارد و برای صلح به اقدامات خود ادامه خواهد داد».

تنگه زیر آتش

درحالی که دیپلمات‌ها از پایان مذاکرات سخن می‌گویند، وضعیت میدانی تنگه هرمز همچنان ناآرام است. آمریکا مدعی است، کنترل این آب‌راه را در اختیار دارد و میلیون‌ها بشکه نفت از آن عبور می‌کند. دونالد ترامپ نیز با لحنی تحریک‌آمیز گفته است که شاید نام تنگه هرمز را به «تنگه ترامپ» تغییر دهد؛ اظهارنظری که در میانه اختلاف بر سر کنترل و تردد دریایی بر فضای تنش‌آلود

افزوده است. تهران ایسن ادعاها را واشنگتن را رد می‌کند و بر ضرورت هماهنگی برای عبور کشتی‌ها تأکید دارد. محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی نیز اخیراً مدعی شد، آمریکا به قاچاق در تنگه هرمز روی آورده و ایران هر شب پنج فروند کشتی را هدف قرار می‌دهد. این ادعا در شرایطی مطرح شده که گزارش‌های مربوط به حملات دریایی، نگرانی‌ها درباره امنیت کشتیرانی را افزایش داده است. نیروی دریایی سپاه پاسداران از غرق شدن یک کشتی کانتنریر متخلف با ۲۵۰۰ کانتنر در آب‌های جنوبی تنگه هرمز پس از برخورد با مین دریایی خبر داده است. هزمنان روزنامه فایننشال‌تایمز گزارش داده که طی دو هفته ۲۴ نفتکش و کشتی دیگر هدف حملات ایران قرار گرفته‌اند.

به نوشته این روزنامه، کشتی‌های فعال در داخل و اطراف تنگه هرمز با شدیدترین دوره حملات موشکی و پهپادی ایران از زمان آغاز حملات آمریکا و اسرائیل علیه ایران ۷ ماه پیش، روبه‌رو



شده‌اند. این وضعیت، مالکان کشتی‌ها را به بازنگری در تصمیم خود برای حمل محموله‌ها از این منطقه واداشته است. سازمان عملیات تجارت دریایی بریتانیا نیز گزارش داده که تنها در روز شنبه ۶ شناور هدف حمله قرار گرفتند. براساس محاسبات گزارش شده، این روز از زمان آغاز درگیری‌ها، مرگبارترین روز حملات به کشتیرانی در نزدیکی تنگه هرمز بوده است. تداوم چنین وضعیتی می‌تواند، هزینه و ریسک عبور کشتی‌ها را افزایش دهد و بازگشت حمل‌ونقل عادی را دشوارتر کند.

احساس خطر قطر

در کنار افزایش خطر برای کشتی‌ها، نگرانی از گسترش بحران به دیگر کشورهای منطقه نیز شدت گرفته است. شیخ نمیم بن‌حمد آل‌ثانی، امیر قطر، درپایمی خطاب به شهروندان کشورش

ویرتین

یک سفر کابوس‌وار

دربارهٔ **سرخ** نوشتهٔ هدی انصاری

داستان «سرخ» به نویسندگی

ایمان حامی‌خواه
 هدی انصاری در ۱۲۴ صفحه، کتاب تازه‌چاپ‌شدهٔ

عکاس

نه‌چندان سراسرت و روشن با شخصیت‌های مبهم و گاه ناملموس از کتاب‌های قفسهٔ قرمز نشر چشمه است. طبق طبقه‌بندی خود انتشارات چشمه، این بخش از دسته‌بندی داستان‌های انتشارات مربوط است به کتاب‌های جریان‌گریز، ضدژانر و ساختارگرا. روایت کتاب سرخ، انگاری به تعمد قلم نویسنده، سرگیجه‌آور و سیاه است. یک هذیان ناتمام، یک تپ شرحی بی‌پایان که گاه شاعرانه نوشته شده و گاه به طرز مرموزی عاری از هرگونه تصویر و زیبایی است. هر بخش که تمام می‌شود انگار از کابوسی به کابوس دیگر پرتاب می‌شویم و هیچ کدام از این تب‌ولرزها پایانی ندارد. از مرگ زنی آبیستن در یک فضای تاریخی گاه مشخص و گاه نامشخص به مرگی دیگر پرتاب می‌شویم. مرگی که تکرار می‌شود. تتی در تتی تنیده شده، آینده‌ای در آینده‌ای دیگر، تا با مرگ گناهی شسته شود؛ تا بزیاید و رها شود. مرز میان خیال و واقعیت چندان



روشن نیست. زنی آبیستن در تن زن‌های دیگری مکرر می‌شود و تجربهٔ تلخ زنانگی در تاریخ را مزه‌مه می‌کند و باز می‌گردد تا فرزندى از پس هزاران سال، بالاخره در زمان و مکانی امن و روشن به دنیا بیآورد. زشتی و سیاهی مطلق گاه با تصویری زیبا می‌آمیزد و از پس خشونت و مرگ، زنی آبیستن از پس روشنی فوارهٔ حوض دستش را می‌فشارد و از سیاهی قالب بر صحنه رهای‌مان می‌کند که باز این زنی دیگر است که رهایی می‌آورد. زن حاملهٔ دیگری که ناجی است.

در جای‌جای کتاب نوعی دعوت به مطالعهٔ تاریخی خشونت علیه زنان دیده می‌شود. نویسنده تعمداً یک سفر کابوس‌وار را ترتیب داده است که شخصیت اصلی قصه از پس روایتی به روایت دیگر، انسان آرمانی در جهانی نازیسته حمل کند و به سرانجام برساند در جهانی که با این روایت به پایان می‌رسد: می‌توانیم خانوادهٔ سه‌نفره‌مان را تشکیل دهیم. باید عجله کنم تا به خانه برسم. در داستان هرگاه با روایتی بیش از اندازه شخصی مواجه هستیم، تصویرسازی در ذهن برای درک بیشتر موقعیت‌ها دشوار می‌شود. کتاب «سرخ» هدی انصاری نیز از این قضیه مستثنا نیست. کتاب پر از واگویی‌های چندخطی و سرد و خشک است که تمرکز برای شرح و توصیف صحنه‌ها را دشوار می‌سازد و گاه حتی آن‌قدر شخصی می‌شود که به موقعیت مکانی و تاریخی که مثلاً در مورد زنی سیاه‌پوست شکنجه‌شده یا مثلاً روایتی از مرگ با گویتن در فرانسه قرن پانزدهم شک می‌کنیم. البته این ابهام و غوطه‌ور شدن در فضا و مکانِ تپدار و متوهم، تعمد نویسنده به نظر می‌رسد. یک سفر بی‌انتها در چندین و چند کابوسِ تاریخی از رنج زن و تکرار خشونت بی‌پایان در جوامع مختلف بر علیه زن که زاینده است.

هیچ‌کس اسمی ندارد. شخصیت اصلی با بهتر بگویم شخصیت‌های اصلی که آیندهٔ کابوس و هذیان زن هستند، همگی به آوای راوی در ذهن «زن» نامیده می‌شوند. «زن جوان منز»، «زن می‌اندیشد» و «زن با وجدانی ناآسوده و حریصانه...» تا احتمالاً تصویرسازی ذهنی دشوارتر شود و بر تب قصه افزوده شود. روایت در یک سفیدی آزاددهنده آغاز می‌شود. یک سفیدی از جنس رویای یک انسان روان ازهم‌گسیخته که چشم‌هایش از روشنی در آزار است و برای فرار از این زندان خودخواسته، یعنی آسایشگاه اعصاب و روان، به تاریکی پناه می‌برد. به تاریکی چشم‌ها. می‌خواید. زن قصه می‌خواید. و هذیان آغاز می‌شود. اینجاست که خواننده به روایت‌های سیاه دعوت می‌شود. یک سیاهی سخت‌خوانِ خشک. سیاهی پشت سیاهی. تجربهٔ تلخ زنانگی، آزار پشت آزار از پس تجربهٔ تاریخی و از صحنه‌ای به صحنه‌ای دیگر.

برخلاف نوشتهٔ زیر عنوانِ سرخ روی جلد کتاب «همه‌جا سفید است» باید بگویم این داستان صادقانه و یکسره کاملاً سیاه است و البته تجربه‌ای نو از یکی دیگر از نویسندگان زن این سرزمین که باید منتظر روایت‌های پخته‌تر از او ماند. روایتی جسورانه و تا حدی مالیخولیایی و ساختارشکن



سرخ

هدی انصاری

نشر چشمه

۱۲۴ صفحه

۴۹۵۰۰۰ تومان

یک دنیا علم و حلم

گرامی داشت صدمین زادروز **رضا سیدحسینی** در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی

مادران و پدران را به سوگ می‌نشانند، همان شور و سرمستی بود که استاد سیدحسینی را از آن‌پس عصابه‌دست و خمیده راهی سروش کرد تا کار فرهنگ آثار را به پایان برد و پس از آن نیز بی‌کار ننشست و کار بزرگ دیگری را بنیان گذاشت.

مرد فرهنگ آثار

پس از مهشید نونهالی، سیدعلی آل‌داود، عضو شورای عالی علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی و یکی از همکاران سیدحسینی برای حاضران خاطرات و روایتی را بیان کرد: «من از اوایل سال ۱۳۷۲ به‌عنوان عضو هیأت‌علمی فرهنگ آثار ایرانی اسلامی به انتشارات سروش وارد شدم. از همان روزهای نخست با شادروان سیدحسینی همکار شدیم که سپس به دوستی عمیق بین ما انجامید. آن روزها هنوز نگارش مقالات فرهنگ آثار شروع نشده بود، ابتدا به کار مدخل‌گزینی می‌پرداختیم و در جست‌وجوی نویسندهٔ مناسب برای عنوان گوناگون و متنوع این کتاب بودیم. هنوز کار ترجمه و ویرایش و چاپ فرهنگ آثار جهانی که از زبان فرانسه به فارسی برگردانده می‌شد به اتمام نرسیده بود و سیدحسینی سخت سرگرم این کار بود. با این‌که آن کتاب چند نفر هیأت‌علمی معتبر چون شادروانان احمد سمیعی‌گیلانی، ابوالحسن نجفی و اسماعیل سعادت داشت و همهٔ آنان در زمرهٔ مترجمان و دانشمندان برجسته شناخته می‌شدند اما انجام همهٔ امور از انتخاب مترجم، ارتباط با مترجم مختلف و گفت‌وگو در باب حل‌وفصل اشکالاتی که حین کار پیش می‌آمد و هم‌چنین ویرایش ترجمه‌ها، غلط‌گیری مطبعی، بررسی آخرین نمونه‌ها و اجازهٔ چاپ کلاً برعهدهٔ سیدحسینی بود، اما از حق نباید گذشت که در امر ویرایش همواره از یاری استاد احمد سمیعی بهره‌مند می‌گردید. اما دیگران نقش

ماجرا گذشت و حتی از خوش‌رویی و کمک کردن به همان افراد دریغ نکرد، که به خود می‌گفتم: باید به‌راستی شور دیگری در سر داشته باشی و چنان سرشار باشی از عشق دانش و فرهنگ یا بهتر است بگویم باید چنان مست دانش و فرهنگ باشی که مسائلی از این دست فقط اندک غبار گذرایی بر چهره‌ات بنشانند، نه بر قلبت و این همان دانش مهربانانهٔ توأم با وارستگی است. به باور من، استاد سمیعی در همان ابتدا با آگاهی کامل بر خصوصیات اخلاقی استاد سیدحسینی و بردباری و سنجیدگی و بزرگواری‌اش ایشان را برای سرپرستی پیشنهاد کردند. و به‌راستی هم آقای سیدحسینی گاه در پیش‌برد این کار با مسائل جدی و حتی با بی‌مهری‌هایی روبه‌رو شد که همه را با شکیبایی و بزرگواری بسیار پشت‌سر گذاشت چون خود را نه در قبال انتشارات سروش که به‌خاطر فرهنگ این کشور موظف می‌دید. دوست دارم هرگاه که از استاد سیدحسینی می‌گویم تکرار کنم که او یک دنیا عشق به فرهنگ این سرزمین بود، یک دنیا علم بود، یک دنیا حلم بود، یک دنیا مهربانی بود، یک دنیا دل‌افسردگی بود و با این‌همه، یک دنیا شور زندگی بود در دل دانش و فرهنگ. و صد البته وقتی بزرگ‌ترین بی‌مهری را روزگار کج‌مدار رقم زد که گاه وارونه می‌چرخد و



گزارش: موسیقی ایران

نوازندگی بدون زنان؟

اجرای سه گروه موسیقی لیان، پالت و قربانی به‌دلیل استفاده از زنان نوازنده، در تعلیق قرار گرفت

پالت در حالی کنسرت‌هایش را به‌خاطر عدم صدور مجوز حضور نوازنده زن، در سراسر ایران لغو کرد که بسیاری از چهره‌های سرشناس موسیقی که سال‌ها خارج از ایران بوده‌اند، به ایران بازگشته و برخی اسامی مطرح دیگر در حال بازگشت به کشور هستند. موضوعی که پارادوکس بزرگی را در برابر علاقه‌مندان و افکار عمومی به‌وجود آورده است: خوانندگانی که سال‌ها ممنوعه بودند، باز می‌گردند، اما کنسرت گروه‌های صاحب مجوز در ایران لغو می‌شوند! تمام اینها در حالی است که این کنسرت‌ها مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را به‌عنوان متولی اصلی موسیقی کشور، دریافت می‌کنند، اما مشخص نیست که از کجا و چگونه دستور توقف و عدم اجرا می‌آید. نکته مهم‌تر این است که وزارت فرهنگ و ارشاد تأکید

متنی را به این شرح منتشر کرد: «دوستان عزیز پالت؛ تصمیم داشتیم بعد از سال‌ها اجراهایی را در سراسر ایران، شهر به شهر برگزار کنیم، اما از آنجاکه در بعضی شهرها به ما گفته شد، نوازنده زن اجازه رفتن روی صحنه را ندارد، کل تور پالت را کنسل اعلام می‌کنیم تا شاید وقتی دیگر... سال‌هاست قلب‌مان به امید دیدن و شنیدن هنر همکاران آوازخوان خانم تنیده و حالا پس از این‌همه سال تلاش و اعتراض موسیقین‌های زن و مرد، شاهد بازگشت به نقطه‌ای هستیم که نوازندگان زن حتی اجازه اجرا ندارند. حرف آخر اینکه: ما، گروه پالت، همان‌طور که در عکس پیداست، ۷ نفر هستیم و زمانی روی صحنه حاضر می‌شویم که هر ۷ نفر مثل هم امکان اجرا داشته باشیم».

بحران مجوز

گروه «پالت» از اوایل دهه ۹۰، نامش در بازار موسیقی ایران مطرح شد. گروهی که موسیقی متفاوتی را با سازهای عجیب، نسبت به آنچه در موسیقی پاپ ایرانی شاهد بودیم، تولید می‌کرد. حالا به‌نظر می‌رسد یکی از نوازندگان این گروه، شقایق صادقیان که نوازنده فلوت است، موضوع اصلی لغو کنسرت‌های پالت است.

در حالی‌که شنیده می‌شد این گروه قصد دارد یک تور کنسرت در شهرهای مختلف ایران برگزار کند، خبر رسید که با حضور نوازنده زن این گروه روی صحنه مخالفت شده است. حالا گروه باید در این دوره‌ای یک مسیر را انتخاب می‌کرد: یا بدون نوازنده زن روی صحنه می‌رفت و برنامه‌هایش را اجرا می‌کرد یا دست به کار دیگری می‌زد. گروه پالت مسیر دوم را انتخاب کرد. روز گذشته این گروه



گزارش: پلتفرم آنلاین

غول خسته

نتفلیکس هزار نفر را اخراج کرد

نتفلیکس، یکی از مهم‌ترین پلتفرم‌های پخش آنلاین، روز گذشته دور تازه‌ای از تعدیل نیرو را آغاز کرد و حدود ۶ درصد از کارکنان خود در سراسر جهان، معادل حدود هزار نفر را کنار گذاشت. این بزرگ‌ترین موج اخراج این شرکت طی چهار سال گذشته است. انتظار می‌رفت نتفلیکس در پی کند شدن روند رشد و افزایش رقابت، دست به چنین اقدامی بزند. تد ساراندوس و گرگ پیترز، مدیران عامل مشترک نتفلیکس، روز چهارشنبه در یادداشتی برای کارکنان این شرکت این تصمیم را اعلام کردند.

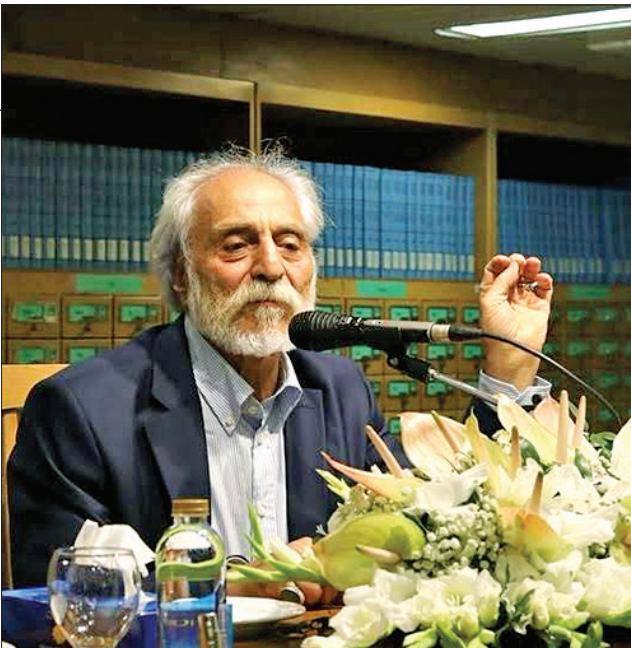
آنها در این یادداشت نوشتند: «تصمیم‌هایی از این دست، هرگز آسان نیستند و ما آنها را ساده نمی‌گیریم. اولویت اصلی ما در حال حاضر حمایت از افرادی است که نتفلیکس را ترک می‌کنند. روند این کار در کشورهای مختلف تا حدی متفاوت خواهد بود، اما مدیران به‌زودی با کارکنانی که تحت‌تأثیر این تصمیم قرار گرفته‌اند، ارتباط برقرار خواهند کرد. اگر در حال ترک شرکت هستید، بدانید که در طول این دوره گذار از شما حمایت خواهیم کرد و تلاش می‌کنیم تا حد امکان اطلاعات و توضیحات روشنی در اختیارشان قرار دهیم. همچنین می‌خواهیم از شما تشکر کنیم. آنچه ساخته‌اید و توجه و دلسوزی‌ای که برای نتفلیکس به خرج داده‌اید، تأثیری ماندگار بر این شرکت گذاشته و ما همیشه قدردان آن خواهیم بود».

مدیران عامل مشترک نتفلیکس درباره کارکنانی که در شرکت باقی می‌مانند نیز گفتند: «می‌دانیم که شما هم پرسش‌هایی دارید. مأموریت ما، سرگرم کردن مردم سراسر جهان، بلندپروازانه است و تحقق آن مستلزم آن است که در زمینه اولویت‌بندی نیروی انسانی و منابع خود، منضبط عمل کنیم. کسب‌وکار ما قدرتمند و در حال رشد است و همچنان در مسیر تحقق پیش‌بینی مالی سالانه خود قرار داریم. ما همچنان با قدرت در حوزه‌های تأثیرگذار سرمایه‌گذاری خواهیم کرد تا خدمات‌مان را بهبود دهیم و رشد و نوآوری را بیشتر کنیم. برای این کار باید در بخش‌های مختلف شرکت انتخاب‌های هدفمند و دقیقی داشته باشیم تا بتوانیم همچنان برای اعضا، شرکا، کارکنان و سرمایه‌گذاران خود ارزش ایجاد کنیم».

آنها شرایط کنونی صنعت رسانه را کاملاً مناسب شرکی مانند نتفلیکس توصیف کردند؛ شرکی که در نقطه تلاقی فناوری و سرگرمی فعالیت می‌کند. مدیران نتفلیکس افزودند: «حالا نوبت ماست که مانند همیشه، در کنار یکدیگر، خودمان را با این شرایط هماهنگ کنیم و به این لحظه پاسخ دهیم». نتفلیکس از زمان تعدیل نیروی گسترده سال ۲۰۲۲، با چنین موج قابل‌توجهی از اخراج کارکنان مواجه نشده بود. کاهش نیروی چند ده نفره در بخش محصولات در ماه فوریه، یکی از مهم‌ترین موارد تعدیل نیرو در این مدت بود. به‌نظر می‌رسد موج جدید اخراج‌ها تا حدی با افت بیش از ۴۰ درصدی ارزش سهام نتفلیکس در یک سال گذشته مرتبط باشد؛ چراکه وال‌استریت با دقت بیشتری میزان تعامل و تماشای مخاطبان این سرویس را زیر نظر گرفته است. میزان تعامل کاربران در نیمه نخست سال تنها دو درصد افزایش داشته است. تد ساراندوس، مدیرعامل مشترک نتفلیکس، اوایل همین ماه در یک کنفرانس بلومبرگ درباره این موضوع گفت: «در مجموع، آطور که می‌خواهم با سرعت کافی رشد نمی‌کنیم و در تلاش هستیم این روند را سریع‌تر کنیم».

از سوی دیگر، نتفلیکس یکی از طولانی‌ترین دوره‌های خود را بدون عرضه یک سریال تازه و پدیده‌ساز پشت سر گذاشته است؛ سریالی که بتواند مانند «چیزهای عجیب»، «بازی مرکب»، «بریجرتون»، «گامبی وزیر»، «ونزدی»، «بچه‌گوزن» و در تازترین نمونه «نوجوانی» به یک پدیده فرهنگی تبدیل شود.

نتفلیکس همچنین در مراسم اخیر جوایز امی، برخلاف معمول، در جایگاه سوم قرار گرفت و پشت سر رقبایی مانند اپل تی‌وی و آچ‌بی‌او ایستاد. حتی میزان استقبال از سریال‌های قدیمی‌تر این پلتفرم نیز نشانه‌هایی از کاهش علاقه مخاطبان را نشان می‌دهد و بسیاری از سریال‌هایی که فصل‌های جدیدشان منتشر شده، با افت تعداد بینندگان نسبت به فصل‌های قبلی مواجه شده‌اند. نتفلیکس در همین حال در حال تغییر استراتژی خود و تمرکز بیشتر بر رویدادهای زنده، از جمله مسابقات ورزشی، پادکست‌ها و محتوای تولید شده توسط چهره‌ها و تولیدکنندگان مستقل است.

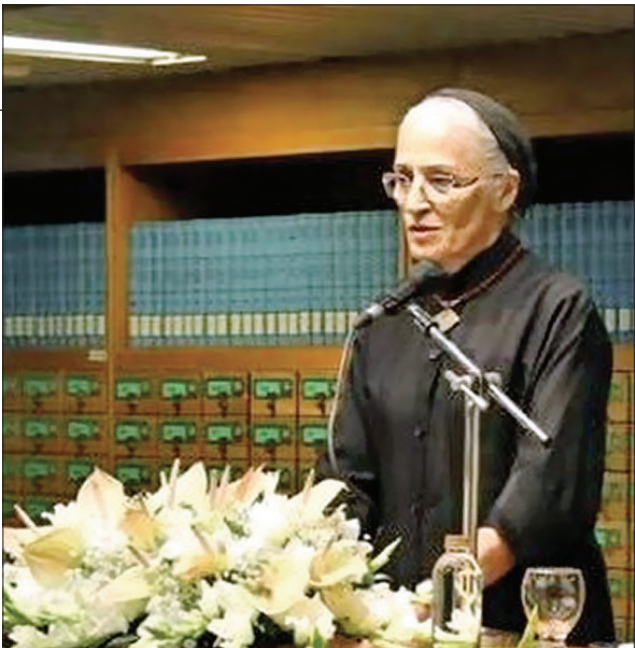


علاقه سبب شد تا بسیاری از مکتب‌های فکری غرب را به جامعه ادبی معرفی کند و بدین‌ترتیب ادبیات ایران را برای همیشه وامدار خود سازد. او ۲۲مهر ۱۳۰۵ در اردبیل چشم به جهان گشود، تحصیلات مقدماتی را در اردبیل گذراند و بعد در تهران در رشتهٔ ارتباطات ادامه تحصیل داد. بعد از مدتی برای تکمیل مطالعات خود به مدرسهٔ عالی ارتباطات پاریس رفت و سپس در دانشگاه U.S.C آمریکا به تحصیل فیلم‌سازی پرداخت. بعد از اتمام تحصیلات در آمریکا به ایران بازگشت و مدتی سردبیری مجلهٔ «سخن» را برعهده گرفت. سیدحسینی به کمک عبدالله توکل فرانسه را یاد گرفت و با شرکت در کلاس‌های پژمان بختیاری معلم فرانسه مدرسه خود کم‌کم به مرحله‌ای رسید که توانست به‌طور مستقل آثار فرانسوی را ترجمه کند. سیدحسینی نخستین‌بار «مکتب‌های ادبی» را سال ۱۳۳۴ منتشر کرد و آن را در ۴۲ سال پیوسته تکمیل کرد و چاپ سیزدهم آن در ۱۷۰۰ صفحه منتشر شد. علاوه بر «مکتب‌های ادبی»، او از بیش از ۴۰ اثر منتشر شده است. این آثار تنها ترجمه ساده نیستند و اثرگذاری بسیاری در میان علاقه‌مندان داشته‌اند. ترجمه‌های او از آثار نویسندگان برجسته‌ای چون آندره مالرو، انوره دو بالزاک، ژان پل سارتر، آندره ژید، آلبر کامو، ماکسیم گورکی، توماس مان، جک لندن و چارلی چاپلین بود.

برگزار شود، یکی از عجیب‌ترین موارد درباره دست‌های پنهانی‌ست که اجازه برگزاری کنسرت را نمی‌دهند. انتشار بیانیه روابط عمومی اداره کل ارشاد استان خراسان رضوی به این‌ ماجرا ابعاد عجیب‌تری می‌بخشد: «با عنایت به درخواست اجرای برنامه هنری «ایرانم» به خوانندگی استاد علیرضا قربانی، به اطلاع می‌رساند که دستگاه‌های ذی‌ربط در استان، با برگزاری این برنامه موافق هستند. لیکن با توجه به برخی ملاحظات زمانی، مقرر شد برنامه مذکور در زمان مناسب دیگر و با فراهم شدن شرایط لازم برگزار شود». در این رابطه، مدیرکل دفتر موسیقی وزارت ارشاد نیز اعلام کرد: «مسیر اخذ مجوزهای این کنسرت در جریان است و روال همیشه این بوده که مجوز برگزاری کنسرت در استان‌ها، توسط ادارات کل ارشاد در استان‌ها درخواست می‌شده است. اداره کل ارشاد هر استان نیز باید شرایط محیطی را بررسی کرده و هماهنگی‌ها و مجوزهای محیطی را اخذ کند. اکنون نیز این اتفاق در خراسان رضوی در رابطه با کنسرت علیرضا قربانی در حال پیگیری است و امیدوار است در یک فرصت مقتضی این اتفاق عملی شود».

با این حال نزدیک به ۱۰ روز از زمانی که قرار بود، کنسرت «ایرانم» قربانی در طبقه مشهد برگزار شود، می‌گذرد و آخرین اخبار حاکی است که برگزاری این کنسرت، مراحل کسب مجوزهای لازم را طی می‌کند. عجیب است که پیش از این گفته شده بود که تمام مجوزهای لازم برای برگزاری این کنسرت صادر شده است! این اخبار تازه، شاید حکایت از مراحل جدید برای کسب مجوزهای تازه و متفاوتی داشته باشد و البته حرف‌های مدیرکل دفتر موسیقی، حکایت از یک موضوع مهم دارد و آن اینکه نهادی به اسم اداره کل ارشاد استان‌ها واجد قدرتی فراتر از وزارت فرهنگ و ارشاد هستند. درواقع آنچه امروز صحنه موسیقی ایران را متأثر کرده، حکایت از این حقیقت دارد که نهادی که زیرمجموعه وزارت ارشاد است، قدرت وتو کردن مجوزهای این وزارتخانه را دارد.

برای موسیقی و اهالی آن شاید بهتر باشد وزارت فرهنگ و ارشاد بعد از این از صدور مجوزهای بدون پشتوانه‌ای که احتمال دارد توسط اداره کل ارشاد استان‌ها وتو شوند، دست بردارد یا بعد از هماهنگی‌های لازم با ادارات استان‌ها، اقدام به صدور مجوز شود تا اینگونه گروه‌های موسیقی و علاقه‌مندان به این هنر، وقت و سرمایه‌شان هدر نشود.



چندانی در فرهنگ آثار و ترجمهٔ مقالات آن نداشتند مگر مرحوم استاد سعادت که ترجمهٔ برخی مقالات به قلم اوست و معه‌ذا نام همهٔ اینان به‌عنوان اعضای هیأت‌علمی فرهنگ آثار جهانی روی جلد و در صفحهٔ حقوقی کتاب ذکر شده است. باری پس از اتمام ترجمهٔ این اثر نفیس و چاپ و نشر جلد ششم آن که آخرین مجلد کتاب به‌شمار می‌آمد، به مسئولین وقت انتشارات سروش پیشنهاد کردیم اکنون که استاد سیدحسینی از امر چاپ و نشر شش جلد فرهنگ آثار ترجمه فراغت یافته، با فرهنگ آثار ایرانی اسلامی به هم‌کاری بپردازند. خوش‌بختانه موافقت شد و هنگامی‌که جلد اول این اثر در آستانهٔ انتشار بود، ایشان به گروه هیأت‌علمی فرهنگ آثار ایرانی اسلامی پیوستند».

نخستین دیدار

سپس مهدی فیروزان، مدیرعامل پیشین انتشارات سروش صحبت گفت: «وقتی به سروش آمدم، بر صندلی‌ای نشستم که سیدحسینی نشسته بود. یک سالی گذشت تا مسیر سروش را عوض کنم اما ردپای او را در همه‌جا می‌دیدم. به موسی اسوار که خیلی کمک می‌کرد، گفته باید شورایی تشکیل دهیم. روزی به مهدش مشیری که رئیس آتلیه بود، گفتم چگونه سیدحسینی را پیدا کنیم. گفت خانه‌نشین شده است و در اوج ناباوری همان سالِ

کرده که صدور مجوز به‌معنای اجازه برگزاری کنسرت است و برخورد‌های سلیقه‌ای نمی‌توانند مانع برگزاری شوند. اما تا امروز که این حرف نتیجه‌ای نداشته و به‌نظر زور مخالفان برگزاری کنسرت و مخالفان حضور زنان روی صحنه، به‌مراتب از مجوز وزارت ارشاد بیشتر است.

ماجرای لیان

اما پالت و هوادارانش تنها گروهی نیستند که اخیراً از برخورد‌های سلیقه‌ای با منابع نامشخص ضربه خورده‌اند. هفته گذشته گروه «لیان» نیز با اعلام اینکه به آنها اعلام شده هیچ نوازنده زنی نباید روی صحنه باشد، کنسرت‌شان را لغو کردند. محسن شریفیان، آهنگساز، خواننده و سرپرست گروه «لیان» چندی قبل، عکس تعهدنامه‌ای را در فضای اینستاگرامش منتشر کرد که براساس آن اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی اهواز برای صدور مجوز برگزاری کنسرت گروه «لیان»، خواهان گرفتن تعهد از آنها مبنی بر عدم حضور نوازنده زن در حین اجرا بوده است: «این تصویر تعهدنامه‌ای است که به اجبار از تهیه‌کننده کنسرت در اهواز خواسته شده تا نوازندگان زن گروه موسیقی فولکلور لیان اجازه حضور روی صحنه را نداشته باشند. من در

طول سال‌های فعالیت حرفه‌ای‌ام، تعهدنامه‌های مختلفی را امضا کرده‌ام؛ اما هنگامی که موضوع به حضور و حقوق قانونی زنان هنرمند مربوط می‌شود، نمی‌توانم چنین تعهدی را بپذیرم. بنابراین کنسرت لیان در اهواز برای تاریخ‌های ۱۱ لغایت ۱۴ مهر را پس از بی‌نتیجه ماندن تلاش‌ها و رایزنی‌های فراوان، لغوشده اعلام می‌کنیم».

حالا این سوال مهم پیش می‌آید که وقتی وزارت ارشاد مجوز صادر می‌کند، اداره ارشاد اهواز که باید زیرمجموعه این وزارتخانه باشد، چگونه توانسته مجوز را وتو کرده و شرایط و قانون تازه‌ای برای برگزاری کنسرت وضع کند. لیان که لیدر آن محسن شریفیان است، یک گروه موسیقی جنوبی‌ست که در سال ۱۴۰۳ نیز به‌دلیل مشکلاتی پیرامون مجوز، کنسرتش در اهواز لغو شده بود.

شاندیز و قربانی

شاید این تصور وجود داشت که سبک و ژانر موسیقی پالت و لیان، در اجرای این محدودیت‌ها نقش داشته است، اما وقتی بدانیم که کنسرت علیرضا قربانی نیز اجازه برگزاری در مشهد را پیدا نکرد، ماجرا ابعاد تازتر و عجیب‌تری پیدا کند. در واقع کنسرت علیرضا قربانی که قرار بود در شاندیز مشهد



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

تعادل شکننده

چرا شاخص کل بورس افت کرد اما شاخص هم‌وزن افزایش یافت؟

نسرین خدادادی
گروه اقتصاد

معاملات بورس در روز چهارشنبه ۲۲ مهر ۱۴۰۵ با تصویری دوگانه به پایان رسید؛ شرکت‌های بزرگ بیشتر زیر فشار فروش قرار گرفتند اما بخشی از نمادهای کوچک‌تر توانستند، موقعیت مثبت خود را حفظ کنند. نتیجه این تفاوت، افت شاخص کل در برابر رشد شاخص هم‌وزن بود. هم‌زمان، نزدیکی تعداد نمادهای مثبت و منفی از توازن نسبی بازار حکایت داشت. با این حال خروج پول حقیقی و بالاتر بودن سرانه فروش نشان داد که این تعادل با احتیاط معامله‌گران همراه بوده و تقاضا هنوز توانسته است در همه بخش‌های بازار بر عرضه غلبه کند. شاخص کل بورس در پایان معاملات با کاهش ۳۴ هزار و ۷۷۲ واحدی، معادل ۴۱٪ درصد به سطح ۸ میلیون و ۴۲۵ هزار و ۷۲۵ واحد رسید. در مقابل، شاخص هم‌وزن ۵ هزار و ۷۷۲ واحد افزایش یافت و با رشد ۲۶٪ درصدی در ارتفاع ۲ میلیون و ۲۲۵ هزار و ۸۱۶ واحد ایستاد. این واگرایی نشان می‌دهد که افت شرکت‌های بزرگ، به دلیل وزن بیشتر آنها، جهت شاخص کل را تعیین کرده است؛ درحالی‌که با در نظر گرفتن وزن یکسان برای شرکت‌ها، برآیند تغییرات قیمت مثبت بوده است. بنابراین افت شاخص کل به‌تنهایی برای توضیف معاملات دیروز کافی نیست. بازار با موج فراگیر کاهش قیمت مواجه نبود و فشار فروش در همه گروه‌ها شدت یکسانی نداشت. رشد شاخص هم‌وزن نیز به‌معنای مثبت بودن تمامی سهم‌های کوچک نیست بلکه از عملکرد بهتر مجموعه نمادها در مقایسه با شرکت‌های دارای وزن بیشتر حکایت دارد. این وضعیت را می‌توان نشانه تفاوت رفتار معامله‌گران در بخش‌های مختلف بازار دانست؛ وضعیتی که در آن، عرضه در برخی سهم‌های بزرگ با حفظ تقاضا در دیگر نمادها همراه شده است. آمار نمادها نیز همین تصویر را تأیید می‌کند. در پایان معاملات ۴۳۵ نماد در محدوده مثبت و ۴۳۷ نماد در محدوده منفی قرار داشتند. اختلاف دو نمادی میان این دو گروه نشان می‌دهد که از نظر تعداد هیچ‌یک از جهت‌های صعودی و نزولی برتری محسوسی نداشته است. البته شمار نمادهای مثبت و منفی، اندازه تغییر قیمت یا ارزش معاملات آنها را نشان نمی‌دهد؛ به همین دلیل، توازن تعداد نمادها می‌تواند هم‌زمان با کاهش شاخص کل و افزایش شاخص هم‌وزن اتفاق بیفتد. در بخش سفارش‌ها، تعداد صف‌های خرید به ۲۵۶ مورد رسید و ۱۹۷ صف فروش شکل گرفت. ارزش سفارش‌های خرید حدود ۱۰ هزار و ۶۱ میلیارد تومان و ارزش سفارش‌های فروش حدود ۵ هزار و ۶۵۸ میلیارد تومان بود. بیشتر بودن تعداد صف‌های خرید و ارزش سفارش‌های سمت تقاضا، نشان می‌دهد که خریداران در بخش‌هایی از بازار همچنان فعال بوده‌اند. با این حال سفارش ثبت شده با معامله انجام شده، تفاوت دارد و ممکن است تغییر کند یا حذف شود. بنابراین، این ارقام را نمی‌توان به‌معنای غلبه قطعی خریداران در کل بازار دانست. حجم دادوستدهای سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی به ۱۰۱ میلیارد سهم و واحد رسید و ارزش معاملات این مجموعه ۵۲ هزار و ۷۰۹ میلیارد تومان ثبت شد. این گردش مالی قابل‌توجه در کنار تغییر محدود شاخص‌ها از بازاری فعال اما فاقد جهت یکدست حکایت دارد. ارزش بالای معاملات می‌توانند، حاصل افزایش خریدوفروش و جابه‌جایی دارایی میان معامله‌گران باشد و لزوماً به‌معنای ورود منابع تازه نیست. برای تشخیص کیفیت معاملات باید گردش مالی را در کنار تغییرات قیمت، ترکیب نمادها و جریان پول بررسی کرد. در همین روز ۸۵۹ میلیارد تومان پول حقیقی از سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی خارج شد. سرانه خرید نیز ۸۸ میلیون تومان و سرانه فروش ۱۲۳ میلیون تومان بود. بر این اساس، سرانه فروش حدود ۱٫۴ برابر سرانه خرید قرار گرفت و میانگین ارزش فروش هر کد از میانگین ارزش خرید بیشتر بود. این نسبت، همراه با خروج پول حقیقی، از احتیاط در سمت تقاضا حکایت دارد؛ هرچند به‌تنهایی برای پیش‌بینی ادامه افت قیمت‌ها کافی نیست و باید تداوم یا تغییر آن در معاملات بعدی بررسی شود. صندوق‌های درآمد ثابت نیز با خروج حدود هزار و ۹۷ میلیارد تومان پول مواجه شدند. از این داده، نمی‌توان نتیجه گرفت که منابع خارج شده مستقیماً وارد سهام شده‌اند زیرا بخش سهامی نیز خروج پول را ثبت کرده است. معاملات دیروز نشان داد که گردش بالای دارایی، حفظ تقاضا در بخشی از نمادها و فشار فروش می‌توانند هم‌زمان رخ دهند. برای ارزیابی مسیر بعدی بورس، تداوم رشد شاخص هم‌وزن، کاهش خروج پول حقیقی و بهبود سرانه خرید اهمیت دارد. تا روشن شدن این نشانه‌ها، تصویر بازار همچنان متعادل اما شکننده است.

توسعه

بنگاه گروگان

چگونه درهم‌آمیختن قدرت سیاسی و منافع اقتصادی، تولید را گرفتار می‌کند؟

سعید مشهوری
گروه اقتصاد

دوستی می‌گفت: این روزها مردم مشغول سیاست‌اند و سیاستمداران مشغول تجارت. از نظر او، نقش‌ها جابه‌جا شده و مردم، به‌دلیل اثر سیاست بر زندگی‌شان، مدام درباره تصمیم‌های سیاسی بحث می‌کنند اما سیاستمداران، که باید به امور عمومی بپردازند، سرگرم کسب‌وکار و منافع اقتصادی خود شده‌اند. چه تعبیر تلخی. انگار مردم دغدغه سرشونت کشور را دارند و صاحبان قدرت، دغدغه سود شخصی. اما پشت این تعبیر چه دغدغه‌ای نهفته است؟ کارآفرینی را تصور کنید که می‌خواهد خط تولید کارخانه‌اش را توسعه دهد. زمین دارد، بازار را می‌شناسد و برای خرید ماشین‌آلات نیز منابعی فراهم کرده است. اما پیش از آنکه نخستین محصول از خط تازه بیرون بیاید باید موانع متعددی از جمله دریافت مجوز توسعه، تأمین برق، دریافت تسهیلات، ثبت سفارش، تخصیص ارز و گرفتن تأییدیه از دستگاه‌های مختلف و خیلی موانع دیگر را پشت سر بگذارد؛ در هر مرحله، بخشی از آینده سرمایه‌گذاری او به تصمیم کسی وابسته است که می‌تواند پرونده را پیش ببرد یا متوقف کند. اگر این تصمیم‌ها تابع قواعد روشن باشند، دستگاه اداری وظیفه خود را انجام داده است. اما اگر پیشرفت کار به پذیرش یک شریک تجملی، استخدام فردی خاص یا تأمین خواسته‌ای خارج از قانون وابسته شود، بنگاه عملاً برای بهره‌مندی از حق خود باید سهمی به صاحبان قدرت بدهد. این تصویر فرضی پرسش‌ی اساسی درباره رابطه سیاست و اقتصاد پیش می‌کشد. اینکه سیاستمدار قرار است چه نسبتی با بنگاه داشته باشد؟ مأموریت او فراهم کردن شرایط تولید، رقابت و سرمایه‌گذاری است یا می‌تواند از فرصت‌هایی که به‌واسطه اختیار عمومی ایجاد می‌کند، منفعت خصوصی ببرد؟ فساد دقیقاً از جایی امکان گسترش پیدا می‌کند که مرز این دو نقش مخدوش شود. جایی که اختیار عمومی به دارایی شخصی تبدیل شود و صاحب منصب بتواند، قدرت تصمیم‌گیری را به سود اقتصادی خود، نزدیکانش یا شبکه حامیانش پیوند بزند. در چنین وضعیتی، ساختار تصمیم‌گیری به‌گونه‌ای عمل می‌کند که معامله بر سر حقوق اقتصادی را ممکن و گاه سودآور می‌کند. به این ترتیب مردم مشغول سیاست می‌شوند و سیاستمداران مشغول تجارت. منظور دوست من همین جابه‌جایی نقش‌هاست. شهروند و فعال اقتصادی برای تصمیم‌های روزمره خود ناچار است خبرهای سیاسی، تغییر مدیران و مناسبات قدرت را دنبال کند. در مقابل، صاحب قدرت ممکن است به‌جای تمرکز بر کیفیت سیاست‌گذاری، درگیر حفظ موقعیت اقتصادی یک مجموعه شود. تولیدکننده باید درباره آینده سیاست حدس بزند و سیاستمدار درباره منافع تجارت تصمیم بگیرد. حاصل، اقتصادی است که در آن، شناخت رابطه‌ها می‌تواند از شناخت بازار مهم‌تر شود و توان نزدیک شدن به قدرت، جای توان تولید را بگیرد. البته رابطه سیاست و بنگاه در هیچ جای دنیا کاملاً قطع نشده است. دولت‌ها با بنگاه‌ها گفت‌وگو می‌کنند، از تشکل‌های اقتصادی نظیر می‌گیرند، مالیات می‌ستانند و قرارداد می‌بندند. لابی‌گری، تأمین مالی فعالیت‌های سیاسی و رفت‌وآمد مدیران میان دولت و بخش خصوصی نیز در بسیاری از کشورها وجود دارد و می‌تواند، منشأ فساد شود. تفاوت تعیین‌کننده، وجود سازوکارهایی برای شفاف کردن و مهار این روابط است. راهنمای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نیز هدف مدیریت تعارض منافع را ممنوع کردن همه منافع خصوصی مقام‌های عمومی نمی‌داند. مسئله، جلوگیری از تأثیر ناموجه این منافع بر انجام وظیفه عمومی است. بنابراین ارتباط

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

دلار منتظر

مذاکرات چگونه می‌تواند مسیر بازار ارز را تغییر دهد؟

مهتا معرفت
گروه اقتصاد

بازار دلار در میانه آخرین هفته مهر، میان امید به کاهش تنش‌های سیاسی و نگرانی از تداوم فشارهای اقتصادی حرکت می‌کند. نرخ‌های منتشر شده برای چهارشنبه ۲۲ مهر، بازگشت دلار آزاد به محدوده ۲۶۳ هزار تومان را نشان می‌دهد. درحالی‌که گزارش‌های روز قبل از عقب‌نشینی آن به محدوده ۲۵۷ هزار تومان حکایت داشت. تفاوت زمان ثبت نرخ‌ها و نوع معاملات، مقایسه دقیق ارقام را دشوار می‌کند اما تصویر کلی روشن است: بازار هنوز درباره ماندگاری کاهش قیمت اطمینان ندارد و به خبرهای سیاسی واکنش نشان می‌دهد. در کوتاه‌مدت مهم‌ترین متغیر برای جهت‌گیری دلار، اعتبار چشم‌انداز مذاکرات است. انتشار خبرهایی درباره تداوم تبادل پیام میان ایران و آمریکا در کنار وعده

بررسی تحولات اقتصادی

این فشار برای بنگاه کوچک و بزرگ یکسان نیست. مجموعه بزرگ ممکن است امکان استخدام مشاور، مذاکره با مدیران ارشد یا جلب حمایت سیاسی داشته باشد؛ اما واحد کوچک معمولاً در برابر تأخیر اداری و تصمیم سلیقه‌ای، آسیب‌پذیرتر است. توقف یک مجوز یا پرداخت می‌تواند، سرمایه در گردش آن را مختل کند. اگر راه اعتراض نیز پرهزینه و نامطمئن باشد، پذیرش مطالبه ناموجه برای صاحب کسب‌وکار به انتخابی اجباری نزدیک می‌شود. بنابراین سهم‌خواهی از بنگاه فقط مسئله‌ای مربوط به کارخانه‌های بزرگ نیست. هر فعالیتی که ادامه کارش به اختیار اداری وابسته باشد، می‌تواند در معرض آن قرار بگیرد؛ از کارگاه محلی تا شرکت خدماتی و مجموعه صادراتی. هزینه این مناسبات در نهایت در حساب همان بنگاه باقی نمی‌ماند. بخشی از آن به قیمت کالا منتقل می‌شود، بخشی از سود سرمایه‌گذاری می‌کاهد و بخشی فرصت اشتغال را از بین می‌برد. پروژه‌ای که باید اقتصادی باشد برای پوشش هزینه‌های اضافی ممکن است به حمایت بیشتری نیاز پیدا کند. در این مرحله فساد می‌تواند، حمایت تازه‌ای طلب کند و حمایت تازه امکان فساد بیشتری بسازد. مصرف‌کننده نیز بی‌آنکه در معامله اولیه حضور داشته باشد، هزینه را می‌پردازد. از این منظر فساد فقط انتقال درآمد میان دو نفر نیست؛ سازوکاری است که هزینه خصوصی صاحبان نفوذ را بر جامعه تحمیل می‌کند و منافع عمومی را به مصرف حفظ رابطه می‌رساند. با این حال نباید همه مسئولیت را به یک طرف رابطه نسبت داد. بعضی بنگاه‌ها قربانی فشار سیاسی‌اند اما برخی نیز فعالانه خواهان امتیاز و حذف رقبا می‌شوند. بنگاهی که برای جلوگیری از ورود رقیب از نفوذ استفاده می‌کند، خود در تخریب بازار سهم دارد. از سوی دیگر، وابستگی دوطرفه می‌تواند، سیاستمدار را نیز گرفتار کند: حفظ حمایت مالی یا شبکه پشتیبان، او را به دفاع از امتیازهای اقتصادی آنان سوق دهد. بنابراین اصلاح رابطه سیاست و اقتصاد باید هم امکان سهم‌خواهی صاحبان منصب را محدود کند و هم امکان خرید تصمیم عمومی را. رقابت سالم هنگامی شکل می‌گیرد که بنگاه نتواند، ناکارآمدی خود را با نفوذ سیاسی جبران کند. در چنین چارچوبی، مأموریت سیاستمدار روشن‌تر می‌شود. او باید امنیت حقوق مالکیت، اجرای قرارداد، زیرساخت مناسب و قواعد قابل پیش‌بینی را فراهم کند و در برابر انحصار، آلودگی و تضعیف حقوق کارکنان نیز سرافراز باشد. رفع موانع تولید به‌معنای پذیرش همه خواسته‌های تولیدکننده نیست. بنگاه آزاد همچنان مالیات می‌پردازد و الزامات عمومی را رعایت می‌کند. تفاوت در این است که این الزامات باید روشن، متناسب و یکسان باشند. مقام عمومی نمی‌تواند، رعایت قانون را برای یک بنگاه سخت و برای بنگاه نزدیک به خود آسان کند. حمایت از تولید نیز باید بر معیارهایی قابل سنجش استوار باشد از عنوان آن به پوششی برای توزیع امتیاز تبدیل نشود. اصلاح از شفاف کردن منافع آغاز می‌شود: چه کسی در چه شرکتی سهم دارد، کدام قرارداد به چه مجموعه‌ای رسیده و چه تصمیمی بر منفعت تصمیم‌گیر اثر می‌گذارد؟ اما انتشار اطلاعات به‌تنهایی کافی نیست. باید امکان راستی‌آزمایی، کناره‌گیری از تصمیم مرتبط و رسیدگی مستقل وجود داشته باشد. هم‌زمان کاهش مجوزهای غیرضروری، اعلام معیارهای تخصیص منابع و فراهم کردن مسیر اعتراض، اختیار سلیقه‌ای را محدود می‌کند. بانک جهانی نیز در مقابله با فساد بر طراحی نهاده‌ا و انگیزه‌های پیشگیرانه همراه با پاسخگویی و اجرای مؤثر مقررات تأکید دارد. برخورد با متخلف ضروری است اما تا زمانی که سازوکار تولید امتیاز پارجاست، جای خالی او می‌تواند با فرد دیگری پر شود. پرسش اصلی این است که قدرت سیاسی برای چه به صاحب منصب سپرده شده است: برای حفاظت از حقوق عمومی یا کسب سهمی از فعالیت دیگران؟ هر جا پاسخ در عمل مبهم باشد، بنگاه برای ادامه حیات ناچار می‌شود، رضایت صاحبان قدرت را بخرد. نتیجه، فرسایش استقلال اقتصادی و اعتماد عمومی است. خروج از این وضعیت به مرزی روشن نیاز دارد: سیاستمدار باید درباره کیفیت قواعد پاسخ بدهد و بنگاه درباره کیفیت عملکردش. وقتی سود به تولید و رقابت وابسته باشد و اختیار سیاسی قابل معامله نباشد، چرخ اقتصاد امکان حرکت پیدا می‌کند. اما اگر هر چرخ در حال گردش فرصتی برای سهم‌خواهی تلقی شود، سرمایه‌گذار پیش از ساختن کارخانه باید برای حفظ آن حامی پیدا کند و همین آغاز عقب‌نشینی تولید است.

 	تردید درباره سرانجام مذاکرات، نوسان خواهد کرد. عرضه ارز می‌تواند دامنه حرکت را محدود کند اما تقاضای احتیاطی به‌طور کامل کنار نمی‌رود. معامله‌گران نیز برای تصمیم‌های بزرگ‌تر منتظر نشانه‌های معتبر می‌مانند. حاصل چنین شرایطی، رفت‌وبرگشت قیمت و شکنندگی کاهش‌هاست؛ وضعیتی که در آن یک خبر تازه می‌تواند، جهت معاملات را تغییر دهد. سناریوی سوم، افزایش تنش یا تضعیف احتمال توافق است. در این حالت، تقاضا برای حفظ ارزش دارایی می‌تواند، تقویت شود و عرضه‌کنندگان نیز فروش خود را به تعویق بیندازند. هم‌زمانی این دو رفتار، فشار افزایشی بر دلار ایجاد می‌کند. شدت واکنش به ابعاد خبر، وضعیت عرضه و انتظارات پیشین بازار وابسته خواهد بود. بنابراین تعیین سقف قطعی برای قیمت، بدون شناخت این عوامل، بیشتر حدس است تا تحلیل. در افاق چند ماهه، سیاست همچنان مهم است اما تورم، رشد نقدینگی، کسری بودجه و امکان تأمین ارز وزن بیشتری پیدا می‌کنند. مداخله بانک مرکزی می‌تواند، نوسان‌های مقطعی را مهار کند. حفظ ثبات به سازگاری سیاست‌های اقتصادی و استمرار عرضه نیاز دارد. برداشت تحلیلی این است که کاهش پایدار دلار به همراهی دو عامل وابسته است. معبرهای ریسک سیاسی و تخفیف فشارهای پولی و مالی. تا زمانی که این همراهی شکل نگیرد، خبرهای مثبت ظرفیت ایجاد افت دارند اما تضمینی برای ماندگاری آن نیستند. در نتیجه، مسیر دلار را باید با سناریوها سنجید نه یک عدد قطعی.
---	---

زمین در برابر کالا

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس

از واگذاری مدت‌دار زمین‌های چابهار به افغانستان خبر داد

گروه اجتماعی: محمدمهدی شهریاری، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، می‌گوید ممکن است حدود ۱۰۰ هکتار زمین در چابهار برای دو یا پنج سال در اختیار افغانستان قرار گیرد تا این کشور از آن برای واردات و ترانزیت کالا استفاده کند. او تأکید کرده این اقدام، اجاره زمین زیر حاکمیت ایران خواهد بود. اظهارات تازه شهریاری پس از سخنان محسن زنگنه درباره اختصاص حدود ۱۱۰ هکتار زمین مطرح شده؛ سخنانی که استفاده از عبارت «سرزمینی متعلق به خودش» در آن، واکنش‌های گسترده‌ای برانگیخت. شهریاری در گفت‌وگو با دیده‌بان ایران، استفاده زنگنه از واژه «سرزمین» را اشتباه دانسته و گفته است افغانستان، به دلیل نداشتن مرز دریایی، می‌تواند از زمین اجاره‌ای برای انتقال کالا از مسیر ایران استفاده کند. او مدت دو یا پنج سال را به‌عنوان یک احتمال مطرح کرده و از انعقاد قراردادی با این مدت خبر نداده است.

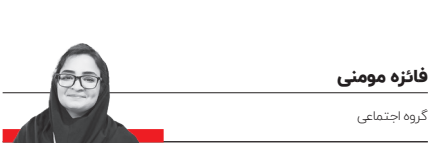
خبر از کجا شروع شد؟

محسن زنگنه، رئیس کمیسیون ویژه حمایت از تولید مجلس، روز ۱۶ مهر در گفت‌وگو با شبکه سحر افغانستان، از فاهم اولیه‌ای در جریان سفر هیأت پارلمانی ایران به کابل سخن گفت. به روایت او، وزیر صنعت، معدن و تجارت پیشنهاد کرده بود، محدوده‌ای در چابهار برای سرمایه‌گذاری افغانستان اختصاص یابد.

اینترنت

رفع فیلتر با شرط

سندی که از محرمانگی بیرون آمد



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

سندی که نزدیک به دو سال مبنای وعده‌های دولت درباره رفع فیلترینگ بوده، اکنون منتشر شده است. متن مصوبه ۳۲ بندی شورای عالی فضای مجازی نشان می‌دهد بازگشایی تلگرام و یوتیوب در برنامه قرار دارد، اما مسیر آنها با رفع محدودیت واتس‌اپ و گوگل‌پلی یکسان نیست. مذاکره با سکوهای خارجی، پذیرش شروط و تأیید کارگروه راهبری، بخشی از این مسیر است. همزمان، سند برای حمایت از سکوهای داخلی، انتقال برخی خدمات عمومی به آنها و مقابله با ابزارهای دوزدن فیلترینگ تکلیف‌تعیین کرده است. محمدامین آقامیری، دبیر شورای عالی و رئیس مرکز ملی فضای مجازی، روز ۲۱ مهر از رفع طبقه‌بندی محرمانه سند خبر داد. او گفته است حساسیت برخی دستگاه‌ها سبب محرمانه‌ماندن آن در زمان تصویب شده بود و اکنون جزئیات برای اطلاع عموم منتشر می‌شود.

مصوبه‌ای از دی‌ماه ۱۴۰۳

عنوان رسمی سند، «تسهیل دسترسی به سکوهای خارجی و ارتقای حکمرانی قانونمند» است. این مصوبه در جلسه چهارم دی ۱۴۰۳ تصویب و در جلسه ۲۳ بهمن همان سال اصلاح شده است. در مقدمه، سند ادامه دو مصوبه پیشین معرفی می‌شود: ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی و افزایش سهم ترافیک داخلی همراه با مقابله با ابزارهای عبور از پالایش. رضایت مردم، افزایش سرمایه اجتماعی، امنیت روانی و رعایت الزامات امنیت ملی از اصول آن هستند. جلوگیری از آسیب به سکوهای داخلی نیز در همین فهرست آمده است.

برنامه اجرایی چهار مرحله دارد. ورود به هر مرحله، به تأیید انجام صحیح و کامل اقدامات مرحله قبل وابسته است و کارگروه راهبری اختیار جابه‌جایی اقدامات و بازگرداندن روند به مراحل قبلی را دارد.

مرحله نخست؛ بازگشایی همراه با حمایت داخلی

بازگشایی گوگل‌پلی و واتس‌اپ در مرحله نخست قرار گرفته است؛ همان دو سرویسی که شورای عالی فضای مجازی در چهارم دی ۱۴۰۳ به رفع محدودیت آنها رای داد. در اعلام آن تصمیم، تلگرام، اینستاگرام و یوتیوب مشمول رفع فیلتر نشدند.

زنگنه از حدود ۱۰ هکتار زمین در کنار آب و بیش از ۱۰۰ هکتار در منطقه ویژه اقتصادی نام برد. او گفت طرف افغانستانی خواهان سهم بیشتری در محدوده بندر بوده اما محدودیت زمین ساحلی، پاسخ به این درخواست را دشوار کرده است. موضوع اعلام شده، ایجاد زیرساخت مورد نیاز برای ترانزیت کالا بود. پس از انتشار این سخنان، زنگنه توضیح داد، منظورش انتقال مالکیت یا حاکمیت نبوده و اختصاص زمین برای سرمایه‌گذاری اقتصادی مطرح شده است. شهریاری نیز در اظهارات جدید همین برداشت را تأیید کرده و گفته بعید است منظور وزیر صمت، واگذاری حاکمیت بخشی از ایران باشد.

پاسخ وزارت خارجه و فرمانداری

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در نشست خبری ۲۰ مهر بحث واگذاری خاک ایران به افغانستان را ناشی از سوء تفاهم خواند. به گفته او، موضوع در چارچوب تسهیل تجارت و دسترسی کشورهای محصور در خشکی به آب‌های آزاد مطرح شده است. بقایی گفته بود پیشنهاد رسمی در این زمینه مطرح نشده و بحث در حاشیه یک نشست و سفر یکی از وزیران ایران به افغانستان صورت گرفته است. علیرضا نورا، فرماندار چابهار، نیز ۱۷ مهر خبر واگذاری اراضی به اتباع خارجی را رد کرده بود. او همزمان تأکید کرده بود سرمایه‌گذاری خارجی در چابهار با رعایت قوانین ایران،

در کنار این بازگشایی، وزارت ارتباطات موظف شده زیرساخت مورد نیاز سکوهای محتوایی داخلی منتخب را تأمین کند. سند، اختصاص زیرساخت برای سه ماه و انجام اقدامات لازم برای تأمین آن در حداقل یک سال آینده را پیش‌بینی کرده است. بسته حمایتی تبلیغات رسانه‌ای به ارزش ۵۰۰میلیارد تومان نیز در مرحله نخست آمده و مسئولیت اصلی آن به صداوسیما سپرده شده است. این رقم در متن، ارزش بسته تبلیغاتی است؛ مصوبه آن را پرداخت نقدی مستقیم به سسکوها معرفی نکرده است. ابلاغ سیاست تعرفه‌گذاری ترافیک و تقسیم درآمد محتوا، اقدام دیگر همین مرحله است.

یوتیوب و تلگرام چگونه باز می‌شوند؟

در مرحله دوم، بازگشایی یوتیوب با قید «مبتنی بر حکمرانی قانونمند» آمده است. در جدول این اقدام، نام دستگاه اصلی و همکار درج نشده؛ در مقابل، مسئولیت مذاکره با سکوهای خارجی، به‌ویژه سکوهای جدید، بر عهده وزارت ارتباطات گذاشته شده است. برای تلگرام دو مسیر در مرحله سوم پیش‌بینی شده است؛ مسیر نخست، مذاکره و بازگشایی مشروط به پذیرش شروطی است که کارگروه ماده چهار تعیین می‌کند. مسیر دوم، در صورت موفق‌نبودن مذاکرات، بازگشایی مبتنی بر حکمرانی قانونمند است. در متن شش‌صفحه‌ای، شروط قراردادی تلگرام و مشخصات فنی مسیر جایگزین تشریح نشده است. برخی گزارش‌های توضیحی، مسیر دوم را دسترسی از طریق واسطه‌های داخلی معرفی کرده‌اند؛ اما عبارت خود مصوبه، عنوان کلی حکمرانی قانونمند است. برای سایر سکوها نیز در مرحله چهارم، مذاکره و پذیرش شروط کارگروه پیش‌بینی شده است.

خدمات عمومی در پیام‌رسان‌های منتخب

بخشی از مرحله دوم به ارائه انحصاری خدمات نسخه‌نویسی الکترونیکی، پیامک تراکنش بانکی و ارتباط دستگاه‌ها با مراجعه‌کنندگان در پیام‌رسان‌های داخلی منتخب اختصاص دارد. وزارت بهداشت، بانک مرکزی و وزارت ارتباطات دستگاه‌های اصلی این بخش معرفی شده‌اند.

در مرحله سوم، خدمات الکترونیکی مرتبط با یارانه، کارت سوخت، پلیس و قوه قضائیه نیز برای ارائه انحصاری در پیام‌رسان‌های داخلی منتخب فهرست شده‌اند. همچنین، تصویب ممنوعیت استفاده رسمی دستگاه‌ها از سکوهای خارجی

ضوابط سرمایه‌گذاری و دریافت مجوزهای لازم امکان‌پذیر است. در این توضیحات، زنگنه از فاهم اولیه، بقایی از پیشنهاد مطرح‌شده در حاشیه مذاکره و شهریاری از امکان اجاره سخن گفته‌اند. هیچ‌یک خبر تحویل زمین در چارچوب یک قرارداد اجرایی را اعلام نکرده‌اند.

اجاره زمین چه چارچوبی دارد؟

قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری و صنعتی، میان اجاره و فروش زمین به اتباع خارجی تفاوت گذاشته است. تبصره نخست ماده ۲۴، اجاره زمین به خارجیان را مجاز و فروش آن را ممنوع می‌داند. ماده ۱۱ نیز صدور مجوز فعالیت اقتصادی و ایجاد بنا و تأسیسات در محدوده منطقه را در اختیار سازمان منطقه قرار داده است. این مقررات به محدوده مناطق آزاد مربوط است. در سخنان زنگنه، علاوه بر خود بندر، از منطقه آزاد و منطقه ویژه اقتصادی نیز نام برده شده؛ عنوان‌هایی که مقررات و دستگاه اداره‌کننده یکسانی ندارند. اجاره برای فعالیت تجاری، حق استفاده اقتصادی ایجاد می‌کند و به‌خودی‌خود به‌معنای انتقال حاکمیت سرزمینی نیست. چابهار سابقه بهره‌برداری خارجی هم

و الزام آنها به حضور در سکوهای داخلی، جزو اقدامات مرحله دوم است. استثناه‌ها باید به تأیید کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه برسند. برنامه حمایت داخلی، تأمین امکانات پردازش و ذخیره‌سازی، سرمایه‌گذاری در خدمات فاقد نمونه داخلی قوی و اصلاح مدل درآمد اپراتورها را نیز در بر می‌گیرد. افزایش سرعت، پایداری و کیفیت تجربه کاربران سکوهای داخلی در مرحله سوم آمده است.

فیلتر شکن‌ها؛ تکلیف به قانون گذاری

مرحله چهارم، تدوین لایحه جرم‌نگاری عرضه و فروش ابزارهای حاکمیت‌گریز و اقدام برای بررسی دوفوریتی آن در مجلس را پیش‌بینی کرده است. هیأت وزیران و مجلس دستگاه‌های اصلی و قوه قضائیه همکار این اقدام هستند. این بند، تکلیف به تهیه و پیگیری لایحه است؛ متن منتشرشده، قانون کیفری تازه‌ای برای استفاده کاربران از فیلترشکن اعلام نمی‌کند. ارتقای توان فنی مقابله با ابزارهای عبور از پالایش، جلوگیری از فرار مالیاتی درآمد‌های حاصل از فعالیت در سکوهای خارجی و تشدید برخورد با جرایم در سکوهای خارجی غیرمجاز، اقدامات دیگر مرحله چهارم هستند. در همان مرحله، تأمین دسترسی‌های ضروری و مقابله با تحریم در لایه زیرساخت نیز به وزارت ارتباطات و قوه قضائیه سپرده شده است.

چه کسی اجازه مرحله بعد را می‌دهد؟

کارگروه راهبری به ریاست رئیس مرکز ملی فضای مجازی و دبیری وزیر ارتباطات تشکیل می‌شود. نمایندگان رؤسای مجلس و قوه قضائیه، وزیر اطلاعات، نماینده سپاه، دادستان کل و دو عضو حقیقی نیز در آن حضور دارند.

تأیید برنامه و زمان‌بندی، تعیین معیارها، اجازه ورود به مرحله بعد و تأیید توافقی‌های خارجی در اختیار این کارگروه است. ماده چهار به زمان‌بندی اولیه در ضمیمه اشاره می‌کند؛ در نسخه شش‌صفحه‌ای منتشرشده، جدول آن ضمیمه و تاریخ مشخص بازگشایی سکوها درج نشده است. اختلاف درباره مسئولیت اجرا پیش‌تر علنی شده بود. مرکز ملی فضای مجازی در اطلاعیه ۲۰ خرداد ۱۴۰۵، در واکنش به اظهارات وزیر ارتباطات، گفته بود ریاست کارگروه با این مرکز و دبیری و پیگیری اجرا با وزارت ارتباطات است. مرکز همچنین اعلام کرده بود با وجود نزدیک به ۲۰ جلسه، بسیاری از بندها اجرا نشده‌اند.

سند، ارزیابی ماهانه ترافیک داخلی و خارجی، استفاده از فیلترشکن، کاربران فعال، رضایت از سکوها و کیفیت اینترنت را الزامی کرده است. نتیجه این ارزیابی باید به شورا ارائه شود. انتشار مصوبه، مسیر تصمیم‌گیری را در دسترس عموم قرار داده؛ ادامه بازگشایی‌ها همچنان به اجرای تکالیف و رأی کارگروهی وابسته است که اختیار بازگشت به مراحل قبل را نیز دارد.



دارد. دولت هند در اطلاعیه رسمی خود اعلام کرده قرارداد امضاشده در ۱۳ مه ۲۰۲۴، تجهیز و بهره‌برداری از پایانه کانتنیری و کالای عمومی بندر شهید بهشتی را برای ۱۰ سال پیش‌بینی کرده است. موضوع آن قرارداد، عملیات پایانه بندری بوده است.

همکاری‌ای که پیش از طالبان آغاز شد

دسترسی افغانستان به چابهار، طرحی تازه نیست. ایران، هند و افغانستان در ۲۳ مه ۲۰۱۶ توافق ایجاد کریدور حمل‌ونقل و ترانزیت چابهار را امضا کردند. در متن توافق، دسترسی افغانستان محصور در خشکی به آب‌های آزاد از اهداف همکاری معرفی شده است. این سند در دوره دولت پیشین افغانستان امضا شد. در مذاکرات بعدی، مشکلات اجرایی مسیر نیز مطرح شده است. وزارت صنعت و تجارت افغانستان در گزارش نشست ۲۶ شهریور ۱۴۰۴ با وزیر صمت ایران، از بررسی موانع بانکی، مشکلات ترانزیت، قرنطینه و خدمات بنادر خبر داده بود. طرف افغانستانی در همان نشست، تنظیم خدمات کشتیرانی چابهار با کشتی‌های دارای ظرفیت ۵۰ کانتنیر به‌جای ۲۰۰ کانتنیر را پیشنهاد کرده بود. دو طرف همچنین بر پیگیری توافقی‌های تجاری و سرمایه‌گذاری و رفع مشکلات انتقال کالا تأکید کرده بودند.

اکنون شهریاری امکان اجاره زمین را به همین نیاز تجاری مرتبط کرده است؛ ورود کالا از دریا و انتقال آن از خاک ایران به افغانستان. وزارت امور خارجه انتقال خاک را رد کرده و فرمانداری، سرمایه‌گذاری را به مجوزهای قانونی وابسته دانسته است. آنچه در اظهارات منتشرشده مطرح شده، فراهم‌کردن فضای فعالیت و زیرساخت ترانزیتی برای طرف افغانستانی است؛ پیشنهادی که مقام‌ها هنوز آن را در مرحله مذاکره توصیف می‌کنند.

زنان

بازتاب محدودیت حجاب در باکو

طعنه ایرانیان به توجیه اجبار با قانون

محدودیت پوشش مذهبی در مدارس جمهوری آذربایجان، علاوه بر اعتراض خانواده‌ها و دانش‌آموزان، بحثی درباره برخورد دوگانه با آزادی پوشش در فضای مجازی ایران برانگیخته است؛ جایی که جمله «قانون کشورشان است» به کنایه‌ای علیه توجیه حجاب برای همه تبدیل شده است.

تغییر مقررات لباس مدارس در جمهوری آذربایجان، بدون نام‌بردن مستقیم از حجاب، زمینه جلوگیری از ورود شسماری از دختران محجبه به کلاس‌ها را فراهم کرده است. انتشار تصاویر این دانش‌آموزان و گزارش‌هایی درباره فشار بر معلمان محجبه، اعتراضاتی به‌دنبال داشته که بنا بر اعلام وزارت کشور، به بازداشت دست‌کم ۳۷ نفر انجامیده است.

دولت باکو این مقررات را در راستای حفظ ماهیت سکولار آموزش و هماهنگی پوشش دانش‌آموزان معرفی می‌کند. خانواده‌های معترض و مدافعان حقوق شهروندی، در مقابل، محرومیت تحصیلی به دلیل پوشش مذهبی را مغایر حق آموزش و آزادی انتخاب می‌دانند. دامنه اختلاف به مناسبات منطقه‌ای نیز رسیده است. انتقاد یکی از مشاوران رئیس‌جمهور ترکیه از برخورد با دختران محجبه، واکنش حزب حاکم جمهوری آذربایجان را برانگیخته است. در ایران نیز برخی جریان‌های سیاسی و مذهبی، سیاست باکو را محکوم کرده‌اند.

بالین حال، بخش دیگری از واکنش‌ها متوجه مواضع همین جریان‌هاست. برخی کاربران ایرانی با تکرار استدلال ضرورت احترام به قوانین کشورها، تناقض میان دفاع از حجاب در ایران و اعتراض به ممنوعیت آن در کشور همسایه را یادآوری می‌کنند.

این اظهارنظرها لزوماً تأیید محرومیت دختران محجبه از تحصیل نیست؛ بخشی از آنها بازتاب اعتراض به منطقی است که قانونی‌بودن یک محدودیت را برای توجیه آن کافی می‌داند. محور این مناقشه، نسبت قانون با حقوق شهروندان است: آیا تصویب یک مقرر، به‌تثاهلی، سلب حق انتخاب پوشش را توجیه می‌کند؟

دفاع از امکان تحصیل دختران محجبه و مخالفت با اجبار زنان به پوشیدن روسری، بر مطالبه‌ای مشترک استوار است: تصمیم‌گیری درباره پوشش نباید شرط برخورداری از حقوق اجتماعی باشد؛ مطالبه‌ای که در واکنش‌های کنایه‌آمیز کاربران ایرانی نیز بازتاب یافته است.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یازفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌ن‌فر • حروف‌چین: سحر خسروچردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۲۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

اقتصاددان خیالی

چرا ادعای عبدالملکی نادرست است؟



مهتا معرفت

گروه اقتصاد

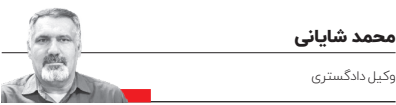
حجت‌الله عبدالملکی، وزیر پیشین تعاون، کار و رفاه اجتماعی در جمله‌ای که از گفت‌وگوی تصویری او منتشر و فراگیر شده، می‌گوید: «اگر گرانی را کنار بگذاریم، دیگر هیچ مشکل اقتصادی نداریم». این اظهارات با واکنش‌های زیادی مواجه شده و حتی اگر این عبارت را خوش‌بینانه تفسیر کنیم و منظور او را برجسته کردن اهمیت گرانی‌ها بدانیم، نتیجه‌گیری آن قابل دفاع نیست. مهم بودن یک مشکل به‌معنای نبودن مشکلات دیگر نیست. ایراد اصلی، تصویری است که این گزاره از اقتصاد ارائه می‌دهد. مجموعه‌ای که گویا فقط قیمت‌ها در آن ناسامان‌اند و باقی اجزایش، درست کار می‌کنند. نخستین اشکال، ابهام واژه «گرانی» است. بالا بودن قیمت‌ها، افزایش مستمر آنها و پائین بودن قدرت خرید، سه مفهوم مرتبط اما متفاوتند. تورم به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها اشاره دارد. قدرت خرید نیز به نسبت درآمد و هزینه‌ها وابسته است. ممکن است سرعت افزایش قیمت‌ها، کاهش یابد اما مردم همچنان نتوانند، نیازهایشان را تأمین کنند چون درآمدشان کافی نیست. کاهش تورم نیز به‌معنای بازگشت قیمت‌ها به گذشته نیست. اقتصاددانان نیز بر فرسایش درآمد واقعی در اثر افزایش نامتوازن قیمت‌ها تأکید دارد. بنابراین حتی اگر تورم متوقف شود، خانواری که درآمد کافی ندارد الزاماً از فقر خارج نمی‌شود. کارگری که شغلش را از دست داده یا جوانی که فرصت ورود به بازار کار پیدا نکرده است با ثابت ماندن قیمت‌ها صاحب درآمد نمی‌شود. اشتغال، دستمزد واقعی و امکان پیشرفت اقتصادی، مسائل مستقلی هستند. ثبات قیمت‌ها شرط مهم رفاه است اما به‌تنهایی رفاه ایجاد نمی‌کند. اقتصاد می‌تواند، تورم پائین داشته باشد و هم‌زمان گرفتار رکود، بیکاری یا محرومیت گسترده باشد.

اشکال دوم، جدا کردن گرانی از سازوکارهایی است که آن را ایجاد می‌کنند. تورم ممکن است تحت‌تأثیر رشد پول، کسری بودجه، کاهش ارزش پول ملی یا اختلال عرضه شکل بگیرد. کنار گذاشتن آن از تحلیل این عوامل را حذف نمی‌کند. اگر بودجه نامتوازن باشد یا شبکه بانکی منابع را ناکارآمد تخصیص دهد مسئله همچنان پابرجاست؛ حتی اگر اثر آن برای مدتی در قیمت‌ها کمتر دیده شود. تحلیل اقتصادی باید توضیح دهد، مشکل چگونه ایجاد شده و از چه مسیرهایی تداوم پیدا می‌کند. اقتصاد همچنین با پرسش‌هایی درباره تولید و ظرفیت آینده روبه‌روست. آیا سرمایه‌گذاری برای جایگزینی تجهیزات فرسوده انجام می‌شود؟ آیا بنگاه‌ها امکان توسعه دارند؟ آیا نیروی کار مهارت لازم را به‌دستی می‌آورد؟ آیا زیرساخت‌ها پاسخگویی نیاز تولید هستند؟ هیچ‌کدام از این پرسش‌ها با حذف گرانی، پاسخ نمی‌گیرند. کمبود سرمایه‌گذاری ممکن است امروز به شکل کاهش کیفیت خدمات و فردا به شکل افت تولید ظاهر شود. ضعف بهر‌دوری نیز می‌تواند، درآمدها را پائین نگه دارد بدون آنکه الزاماً با جهش فوری قیمت‌ها همراه باشد. خطر این برداشت در نسخه سیاستی آن آشکار می‌شود.

اگر همه مسئله اقتصاد به گرانی تقلیل یابد، سیاستگذار ممکن است موفقیت را در جلوگیری از افزایش قیمت‌های اعلام شده، جست‌وجو کند. در این صورت، دستور تثبیت قیمت، فشار بر فروشنده یا توزیع یارانه جای اصلاح عوامل بنیادی را می‌گیرد. اگر قیمت‌گذاری هزینه تولید را نادیده بگیرد، می‌تواند عرضه را تضعیف کند و کمبود بسازد. کاهش ظاهری قیمت نیز وقتی کالا در دسترس نیست یا کیفیت آن افت می‌کند به‌معنای بهبود معیشت نخواهد بود. با این حال نقد عبدالملکی زمانی دقیق‌تر است که از تمسخر شخصی فراتر برود. از یک جمله نمی‌توان درباره تمام دانش یا انگیزه‌گوینده حکم داد اما می‌توان اعتبار همان گزاره را سنجید. کسی که مسئولیت اقتصادی داشته است باید بتواند میان تورم، فقر، بیکاری و ضعف تولید تمایز بگذارد و رابطه آنها را توضیح دهد. اهمیت این انتظار در آن است که برداشت مدیر از مسئله، تعیین می‌کند چه چیزی را ببیند، برای چه چیزی منابع اختصاص دهد و کدام پیامد را نادیده بگیرد. افرادی با تحلیل‌های ساده‌انگارانه در همه کشورها وجود دارند؛ ادعای اینکه فقط یک نظام حکمرانی به آنان بها می‌دهد، نیازمند شواهد مقایسه‌ای است. پرسش مهم‌تر این است که سازوکار انتخاب مدیران چگونه صلاحیت تخصصی را می‌سجد و عملکردشان را ارزیابی می‌کند. اگر ادعاهای بزرگ بدون آزمون و پاسخگویی مبنای ارتقا قرار گیرند، هزینه خطا بر دوش مردم می‌افتد. مسئله عبدالملکی، مسئله معیارهای حکمرانی نیز هست. اینکه آیا مدیر باید درباره نتایج تصمیم‌هایش توضیح دهد یا می‌تواند با حذف بخش‌های دشوار واقعیت، تصویری مطلوب از اقتصاد بسازد؟ «کنار گذاشتن گرانی» راه‌حل نیست. آغاز تحلیل باید شناخت همه مشکلات و پیوند میان آنها باشد.

نفت مال چه کسی است؟

نقدی حقوقی بر اظهارات آقای مصطفی میرسلیم



محمد شایانی

وکیل دادگستری

آقای مصطفی میرسلیم، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، با طرح این پرسش که «چه کسی گفته نفت مال مردم است؟» نفت ایران را از مصادیق انفال و متعلق به خدا و رسول دانسته است. این اظهارات، صرف‌نظر از مبانی فقهی مورد استناد گوینده، پرسش‌های مهمی درباره نسبت میان مفهوم انفال، مالکیت عمومی، حق حاکمیت ملی و حقوق اقتصادی مردم مطرح می‌کند.

بررسی اصول قانون اساسی، به‌ویژه اصل ۴۵، ماده ۲ قانون نفت، مبانی فقه شیعه و اصل حاکمیت دائمی ملت‌ها بر منابع طبیعی نشان می‌دهد که انفال بودن منابع نفتی را نمی‌توان بدون تبیین دقیق مفاهیم فقهی و حقوقی به‌معنای نفی حقوق عمومی مردم نسبت به ثروت‌های ملی تلقی کرد. مسئله اساسی این است که منابع نفتی کشور تحت چه نظام حقوقی اداره می‌شوند، منافع حاصل از آنها چگونه باید مصرف شود و نهادهای مسئول در برابر مردم چه تکالیفی دارند.

در این نوشتار ضمن بررسی مبانی حقوقی موضوع، استدلال می‌شود که انفال بودن نفت، مجوزی برای نادیده گرفتن حقوق عمومی، تضعیف پاسخگویی حکومت یا انکار ضرورت بهر‌مندی جامعه از منافع ثروت‌های ملی نیست.

نخست؛ اصل ۴۵ قانون اساسی؛

تفکیک اختیار اداره از مالکیت عمومی

اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی... در اختیار حکومت اسلامی است تا طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید».

در این اصل، دو مفهوم اساسی مورد توجه قرار گرفته است: نخست، قرار گرفتن انفال و ثروت‌های عمومی در اختیار حکومت اسلامی و دوم، الزام حکومت به اداره و بهر‌برداری از آنها بر مبنای مصالح عامه. بنابراین اختیار حکومت در اداره این منابع، اختیاری مطلق و فارغ از مسئولیت نیست؛ بلکه به‌صراحت با قید «مصالح عامه» محدود شده است. این قید، مبنایی اساسی برای ارزیابی نحوه مدیریت منابع طبیعی و ضرورت توجه به منافع عمومی در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با آنها به‌شمار می‌رود.

البته باید توجه داشت که عبارت «در اختیار حکومت اسلامی» به‌تنهایی و بدون بررسی سایر مقررات قانونی و مبانی فقهی برای اثبات تمام جزئیات نظریه مالکیت عمومی کافی نیست. از این رو تفسیر حقوقی این اصل باید در کنار قوانین خاص، از جمله قانون نفت، صورت بگیرد. نکته محوری آن است که اختیار اداره منابع طبیعی به معنای اختیار تصرف خودسرانه در آنها نیست. حکومت مکلف است این منابع را در چارچوب قانون و با رعایت مصالح عمومی مدیریت کند و تصمیم‌های مربوط به آنها را نمی‌توان از ضرورت پاسخگویی و رعایت منافع جامعه جدا دانست.

دوم؛ قانون نفت؛ تصریح به مالکیت عمومی منابع نفتی

ماده ۲ قانون نفت، با اصلاحات بعدی، مقرر می‌دارد: «کلیه منابع نفتی جزء انفال و ثروت‌های عمومی است. اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی در منابع مذکور به نمایندگی از طرف حکومت اسلامی بر عهده وزارت نفت است».

این ماده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا منابع نفتی را صراحتاً در شمار انفال و ثروت‌های عمومی قرار داده و اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر آنها در چارچوب مقرر قانونی بر عهده وزارت نفت گذاشته است.

از مفاد این ماده می‌توان نتیجه گرفت که منابع نفتی موضوع حقوق عمومی‌اند و اداره آنها در اختیار اشخاص خصوصی یا صاحبان منافع شخصی قرار ندارد. وزارت نفت نیز در مقام اعمال اختیارات قانونی خود باید در چارچوب قوانین و اهداف عمومی فعالیت کند. با این حال، از منظر دقت حقوقی، باید میان «مالکیت عمومی»، «مالکیت خصوصی اشخاص» و «اعمال حق حاکمیت و اختیار اشخاص خصوصی منابع» تفاوت قائل شد. مالکیت عمومی منابع نفتی لزوماً به این معنا نیست که هر شهروند، مالک خصوصی سهم مشخص و قابل مطالبه‌ای از هر مخزن نفتی است؛ بلکه به این معناست که منابع مذکور در چارچوب نظام حقوقی عمومی اداره می‌شوند و منافع حاصل از آنها باید با رعایت قوانین و مصالح عمومی مورد استفاده قرار گیرد.

از این‌رو، اگر مقصود از عبارت «نفت مال مردم نیست» نفی هرگونه حق عمومی جامعه نسبت به منابع نفتی و منافع حاصل از آن باشد چنین برداشتی با ضرورت بررسی دقیق ماده ۲ قانون نفت و مفهوم مالکیت عمومی سازگار نیست.

سوم؛ مفهوم انفال در فقه شیعه؛

ولایت بر اداره، نه مجوز تصرف شخصی

در فقه شیعه، انفال به اموالی اطلاق می‌شود که مطابق ادله شرعی، احکام و اختیارات ویژه‌ای درخصوص آنها برقرار است. در تبیین جایگاه انفال باید میان مالکیت به معنای فقهی، ولایت بر تصرف و نحوه مصرف منابع تفاوت گذاشت.

صرف اطلاق عنوان انفال بر یک مال به‌تنهایی پاسخ‌گوی تمام پرسش‌های مربوط به شیوه اداره آن، حدود اختیارات حاکم و نحوه بهر‌مندی جامعه از منافع آن نیست. این مسائل باید با توجه به ادله فقهی و نظام حقوقی حاکم بررسی شوند. در همین زمینه شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر در تحلیل مبانی مالکیت و حقوق اقتصادی میان مالکیت شخصی و حقوق ناشی از جایگاه و منصب شرعی، تفکیک قائل شده است. در این چارچوب، اختیارات ناشی از منصب با حقوق و منافع شخصی دارند آن یکسان نیست و نمی‌توان آنها را بدون توجه به ماهیت حقوقی‌شان تفسیر کرد. بر این اساس حتی با پذیرش مبانی فقهی مربوط به تعلق انفال به خداوند و پیامبر اکرم (ص) همچنان باید به این پرسش پاسخ داد که اختیارات مربوط به این منابع در نظام حقوقی جمهوری اسلامی چگونه اعمال می‌شود و چه محدودیت‌هایی بر نحوه اداره و مصرف آنها حاکم است. بنابراین بحث انفال نباید به ابزاری برای نادیده گرفتن مصالح عمومی یا نفی مسئولیت نهادهای اداره‌کننده منابع طبیعی تبدیل شود. اختلاف احتمالی درباره تعبیر فقهی مالکیت به‌خودی‌خود تکالیف قانونی حکومت در مدیریت منابع عمومی و رعایت منافع جامعه را از میان نمی‌برد.

چهارم؛ ملی شدن صنعت نفت؛

جایگاه ملت در حاکمیت بر منابع ملی

ملی شدن صنعت نفت ایران در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ یکی از مهم‌ترین نقاط عطف تاریخ سیاسی و اقتصادی کشور است. این رویداد در بستر مبارزه برای پایان دادن به سلطه شرکت‌های خارجی بر صنعت نفت و افزایش اختیار ایران در اداره منابع و منافع نفتی شکل گرفت. ملی شدن صنعت نفت را باید در چارچوب تاریخی و حقوقی خود بررسی کرد. این رویداد، بیش از هر چیز، بیانگر مطالبه استقلال در تصمیم‌گیری درباره منابع طبیعی و مقابله با سلطه خارجی بر ثروت‌های کشور بود. از این منظر نفت صرفاً یک کالای اقتصادی نیست؛ بلکه منبعی راهبردی است که نحوه اداره آن با منافع عمومی، استقلال اقتصادی و حقوق نسل‌های مختلف جامعه ارتباط مستقیم دارد. البته از نظر حقوقی، ملی شدن صنعت نفت به‌تنهایی تمام جزئیات نظام مالکیت عمومی منابع نفتی را تعیین نمی‌کند؛ این موضوع باید در کنار قانون اساسی و قوانین جاری تحلیل شود. با این حال نمی‌توان اهمیت تاریخی نقش ملت ایران در مطالبه کنترل ملی بر منابع نفتی را نادیده گرفت. هرگونه تفسیر از جایگاه حقوقی نفت باید به‌گونه‌ای باشد که نقش حاکمیت ملی، منافع عمومی و ضرورت پاسخگویی در اداره این ثروت را تضعیف نکند.

پنجم؛ حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی در حقوق بین‌الملل

اصل حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی از اصول شناخته شده حقوق بین‌الملل اقتصادی است. قطعنامه ۳۲۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مصوب ۱۲ دسامبر ۱۹۷۴، موسوم به منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها، در بند ۱ ماده ۲ بر حق دولت‌ها برای اعمال حاکمیت بر ثروت‌ها و منابع طبیعی خود تأکید می‌کند.

براساس این اصل، دولت‌ها در چارچوب حقوق بین‌الملل از اختیار تصمیم‌گیری درباره منابع طبیعی خود برخوردارند. این اختیار، در عین حال، باید در بستر تعهدات حقوقی بین‌المللی و نظام حقوقی داخلی هر کشور بررسی شود. البته لازم است میان «حاکمیت دولت بر منابع طبیعی در حقوق بین‌الملل» و «مالکیت عمومی منابع در حقوق داخلی» تمایز قائل شد. این دو مفهوم با یکدیگر ارتباط دارند اما کاملاً مترادف نیستند. با وجود این تفاوت، اصل حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی مؤید اهمیت استقلال ملت‌ها در تعیین سرنوشت اقتصادی خود و جلوگیری از سلطه خارجی بر ثروت‌های ملی است. در مورد ایران نیز این اصل، در کنار قوانین داخلی، اهمیت کنترل ملی بر منابع نفتی را برجسته می‌کند؛ هرچند تعیین دقیق آثار حقوقی آن مستلزم توجه به متن

اسناد بین‌المللی و وضعیت حقوقی آنهاست.

ششم؛ پیامدهای اظهارات درباره تعلق نفت به مردم

اظهاراتی از این دست، افزون بر جنبه فقهی، از حیث پیامدهای اقتصادی و حقوق عمومی نیز قابل بررسی است.

دست‌کم دو موضوع در این زمینه اهمیت ویژه دارد:

الف) پاسخگویی و شفافیت در مدیریت منابع نفتی

منابع نفتی از مهم‌ترین منابع درآمدی کشور محسوب می‌شوند و تصمیم‌گیری درباره استخراج، فروش، تخصیص درآمدها و نحوه هزینه‌کرد آنها آثار گسترده‌ای بر زندگی اقتصادی و اجتماعی جامعه دارد. از این‌رو فشارغ از اختلاف‌نظر درباره تعریف فقهی مالکیت انفال، ضرورت پاسخگویی نهادهای مسئول در برابر قانون و جامعه قابل انکار نیست.

اگر گفته شود، نفت به معنای متعارف متعلق به مردم نیست باید روشن شود که این گزاره دقیقاً ناظر بر کدام مفهوم حقوقی است و چه تأثیری بر حقوق عمومی، نظارت قانونی و مسئولیت نهادهای اداره‌کننده منابع دارد. نمی‌توان صرف استناد به‌عنوان انفال را دلیلی برای کاهش شفافیت یا محدود کردن حق جامعه در مطالبه توضیح درباره نحوه مدیریت ثروت‌های ملی تلقی کرد.

ب) نسبت میان مالکیت عمومی نفت و قیمت حامل‌های انرژی

آقای میرسلیم در بخش دیگری از اظهارات خود از عرضه ارزان بنزین انتقاد کرده و آن را واگذاری این فرآورده به قیمتی ناچیز توصیف کرده است. این موضوع، پرسش مهمی را درباره رابطه میان مالکیت عمومی منابع نفتی، سیاست‌های قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی و نحوه توزیع منافع و هزینه‌ها در جامعه مطرح می‌کند.

با این حال، از نظر اقتصادی و حقوقی، قیمت بنزین را نمی‌توان صرفاً بر مبنای این گزاره که نفت متعلق به مردم است یا نیست، تعیین کرد. در این زمینه باید عواملی همچون هزینه تولید و توزیع، آشمارانه‌ها، عدالت در توزیع منابع، پیامدهای تورمی و آثار سیاست‌های انرژی بر اقشار مختلف جامعه بررسی شوند. آنچه اهمیت دارد این است که تصمیم‌گیری درباره قیمت حامل‌های انرژی باید بر پایه تحلیل کارشناسی، ملاحظات عدالت اجتماعی، شفافیت مالی و پاسخگویی نهادهای مسئول صورت گیرد. مالکیت عمومی منابع نفتی نیز نباید بدون توجه به این عوامل به توجیهی برای تحمیل هزینه‌های نامتوازن بر شهروندان تبدیل شود.

بنابراین بررسی اصل ۴۵ قانون اساسی، ماده ۲ قانون نفت، مبانی فقهی انفال، تجربه تاریخی ملی شدن صنعت نفت و اصل حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی نشان می‌دهد که مسئله تعلق نفت ایران نیازمند تفکیک دقیق میان مفاهیم فقهی و حقوقی است.

نخست، اصل ۴۵ قانون اساسی، اداره انفال و ثروت‌های عمومی را به حکومت اسلامی سپرده و رعایت مصالح عامه را مبنای تصمیم‌گیری درباره آنها قرار داده است.

دوم، ماده ۲ قانون نفت، منابع نفتی را صراحتاً جزء انفال و ثروت‌های عمومی دانسته و اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر آنها را در چارچوب مقرر قانونی تنظیم کرده است.

سوم، انفال بودن منابع نفتی به‌خودی‌خود نمی‌تواند مبنای نفی مسئولیت نهادهای اداره‌کننده منابع در برابر قانون و جامعه قرار گیرد. حتی اگر درباره ماهیت فقهی مالکیت انفال اختلاف‌نظر وجود داشته باشد، تکالیف قانونی مربوط به رعایت مصالح عمومی و اداره مسئولانه منابع همچنان به قوت خود باقی است.

چهارم، تجربه ملی شدن صنعت نفت ایران نشان می‌دهد که استقلال در اداره منابع طبیعی و صیانت از منافع ملی، جایگاهی بنیادین در تاریخ حقوقی و سیاسی کشور دارد.

پنجم، اصل حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی در حقوق بین‌الملل نیز بر اهمیت اختیار ملت‌ها و دولت‌ها در تعیین سرنوشت اقتصادی و مدیریت منابع طبیعی تأکید می‌کند.

در نهایت، پرسش اساسی این نیست که نفت را با کدام تعبیر فقهی توصیف کنیم؛ بلکه این است که منابع نفتی کشور بر اساس چه ضوابطی اداره می‌شوند، منافع حاصل از آنها چگونه به مصالح عمومی اختصاص می‌یابد و نهادهای مسئول چگونه در برابر قانون و جامعه پاسخگو خواهند بود.

انفال بودن نفت، نه مجوزی برای نادیده گرفتن حقوق عمومی است و نه دلیلی برای رهایی نهادهای مسئول از الزام به شفافیت، رعایت قانون و پاسخگویی. ثروت‌های طبیعی ایران باید در چارچوب قانون و با رعایت مصالح عمومی اداره شوند؛ اصلی که صیانت از آن، هم از منظر حقوق اساسی و هم از حیث منافع نسل‌های کنونی و آینده، اهمیتی اساسی دارد.